

معرفت

مجموعه آثار حضرت استاد حاج شیخ علیرضا حدائق

نسیم انتظار

تدوین و نگارش: محمد حسین حدائق



بنیاد فرهنگی حضرت محمدی موعود فارس

بنیاد فرهنگی حضرت محمدی موعود فارس



مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس

نسیم انتظار

- تدوین و نگارش: محمدحسین حدائق
- ویراستاران: محمدصادق غلامی - محمدحسین مددالهی
- طراح جلد: سیدمحمدرضا نصیحت کن
- حروف نگار: معصومه برزگر
- صفحه آرا: رضا فریدی
- نوبت چاپ: اول
- قطع: رقعی
- شابک:
- شمارگان: نه هزار نسخه
- قیمت:

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ مرکز پخش:

شیراز: کوی زهرا/ کوچه شماره ۸/ رویروی دبستان شهیدان اتحادی/ مؤسسه و بنیاد فرهنگی

حضرت مهدی موعود (عج) فارس / تلفن: ۰۹۱۷۳۰۶۳۲۲۶ - ۰۹۱۷۹۵۱۵۲۴۰ - ۳۷۲۵۵۸۵۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیرنامه

نوشتار پیش رو، حاصل ۲۵ جلسه، ویژه برنامه تخصصی مهدوی تلویزیونی است که با عنوان «نسیم انتظار» هر صبح جمعه از سیمای شبکه فارس پخش شده است.

بر خود لازم می‌دانیم از زحمات مسئولین سازمان صدا و سیمای استان فارس که در تهیه این ویژه برنامه نقش بسزایی داشته‌اند، خصوصاً برادران ارزشمند آقایان مهندس سید تقی سهرابی (مدیر کل سازمان)، دکتر سید حسین حقایقی (قائم‌مقام سازمان)، علیرضا باغبانمنش (معاون سیمای) و جلیل ولی‌بیگی (مدیر پخش سیمای)، تقدیر و تشکر به عمل آوریم.

فهرست مطالب

مقدمه	۷
گفتار اول: شناخت امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۱
گفتار دوم: شناخت شناسنامه‌ای امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۵
گفتار سوم: شناخت امام، وظیفه‌ای همگانی	۲۰
گفتار چهارم: معرفت، سرمنشأ محبت	۲۵
گفتار پنجم: معرفت امام <small>علیه السلام</small> ، سبب آرامش قلب	۳۳
گفتار ششم: پیوند روحی با امام زمان <small>علیه السلام</small>	۳۷
گفتار هفتم: اکسیر جلب محبت امام <small>علیه السلام</small>	۴۳
گفتار هشتم: محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، کلید درب بهشت	۴۸
گفتار نهم: محبت ریشه‌دار	۵۵
گفتار دهم: عوامل جلب محبت امام <small>علیه السلام</small>	۶۰
گفتار یازدهم: کردار نیک، همنشینی با امام <small>علیه السلام</small>	۶۷

- گفتار دوازدهم: دعای فرج؛ گشایشِ امور..... ۷۴
- گفتار سیزدهم: تحمل رنج‌های عصر غیبت ۷۸
- گفتار چهاردهم: صبوری در سایه‌ی امام علیه السلام ۸۲
- گفتار پانزدهم: آماده‌باشِ دائمی ۸۸
- گفتار شانزدهم: همگام با اهل بیت علیهم السلام ۹۵
- گفتار هفدهم: وظیفه‌ی منتظر؛ تلاش اجتماعی ۹۹
- گفتار هجدهم: امام زمان علیه السلام، بلاگردانِ امت ۱۰۵
- گفتار نوزدهم: امام علیه السلام؛ عامل امنیت، حافظِ آئین پروردگار ۱۱۱
- گفتار بیستم: امام علیه السلام؛ فانوس هدایت، دستگیرِ ضعیفاء ۱۱۵
- گفتار بیست‌ویکم: عدالت‌گسترِ آسمانی ۱۲۰
- گفتار بیست‌ودوم: مدیران مهدوی ۱۲۵
- گفتار بیست‌وسوم: عصر ظهور، اوج شکوفایی ۱۲۹
- گفتار بیست‌وچهارم: عصر ظهور، عصر امنیت و حیات معنوی ۱۳۳
- گفتار بیست‌وپنجم: ظهور، پایان ستمگران ۱۳۷

مقدمه

مهدویت، غیبت، انتظار و ظهور، چهار واژه‌ی مهم در فرهنگ دینی شیعه به شمار می‌رود. مجموعه‌ای از اخبار و روایات هم از رسول مکرم اسلام ﷺ و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در مورد آخرین امام شیعیان و موضوعات پیرامون او، از جمله انتظار فرج، بدست ما رسیده است که به تبیین وظایف مسلمین در عصر غیبت و راه‌های تقویت ارتباط با امام زمان ﷺ پرداخته است؛ لذا برای مسلمین این سؤال ایجاد می‌شود که محورهای آمادگی برای تشکیل حکومت جهانی امام زمان ﷺ چیست؟ به عبارت بهتر، ما باید به این سؤال پاسخ دهیم که: چرا جامعه‌ی اسلامی گرفتار غیبت حجت خدا شده و چه کنیم تا با پایان یافتن روزگار پرمحنت انتظار، عصر گسترش عدالت در سایه‌ی امام عصر ﷺ آغاز شود؟ اصلاً آمادگی برای ظهور یعنی چه؟ و مردم برای رسیدن به دولت آسمانی حضرت بقیة‌الله ﷺ چه قدم‌هایی را باید بردارند؟

طرح این سؤال در اذهان مردم، اصل موضوع غیبت و انتظار را اثبات می‌کند؛ چرا که اگر باور به غیبت امام زمان علیه السلام نبود، سؤال از ایجاد آمادگی، معنا نداشت. آنچه مسلم است، رسیدن به حکومت واحد جهانی و جامعه‌ی منسجم عدالت‌محور، نیازمند تهیه‌ی مقدمات و ایجاد آمادگی در آحاد جامعه است. «غیبت» به‌عنوان مهم‌ترین چالش پیش روی شیعیان، دلایلی دارد - که در جای خود به آن می‌پردازیم - و روشن است که برای برون‌رفت از این چالش، باید موانع آن مرتفع شود. بزرگ‌ترین دلیل طولانی‌شدن غیبت امام زمان علیه السلام، عدم آمادگی مردم برای درک محضر امام زمان علیه السلام است و تا این آمادگی ایجاد نشود، بدون تردید جامعه در آتش غربت غیبت خواهد سوخت. چه‌بسا بارها ظهور تا آستانه‌ی تحقق پیش رفته اما عدم آمادگی مردم باعث به تأخیر افتادن آن شده است. از جناب سیدبن طاووس نقل شده که فرمود اگر آیه‌ی «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»^۱ نبود، من ظهور امام زمان علیه السلام را درک کرده بودم. در صورت صحت، این بدان معناست که اراده‌ی محتوم خداوند برای ظهور حضرت حجت به دلیل عدم آمادگی بشر، در

لحظه‌ی آخر تغییر کرده است.

اولین گام برای طلوع صبح فرج، ایجاد آمادگی فردی است؛ اینکه هر یک از افراد جامعه به وظایف فردی خود در مقابل امام زمان علیه السلام عمل کنند. اگر هر شخصی چنین تصور کند او تنها مانع ظهور حضرت است و در اصلاح خود کوشش کند، گلستانی ایجاد خواهد شد که باغبان را می‌خواند. این که با یک گل بهار نمی‌شود به جای خود، درست است اما نباید فراموش کرد که هر گل، به اندازه‌ی خود، عطری دارد که در فضا آکنده می‌شود.

با شکل‌گیری آمادگی فردی، جامعه‌ای با آحاد منتظر به وجود می‌آید که یک آرمان مشترک دارند. اکنون نوبت به ایجاد آمادگی اجتماعی می‌رسد؛ یعنی افرادی که هدف مشترک دارند در کنار یکدیگر باید مسیر رسیدن به آن را هموار کنند؛ لذا برطرف کردن موانع اجتماعی ظهور، گام دوم ایجاد آمادگی است.

آمادگی برای ظهور در بُعد اجتماعی، پدیده‌ای به نام امر به معروف و نهی از منکر را به وجود می‌آورد که بدان معناست که همه‌ی افراد جامعه، مراقب یکدیگر هستند تا طراوت اجتماعی انتظار، خدشه‌دار نشود.

گام سوم برای ایجاد آمادگی، ارتقاء سطح علمی ارتباطات یا رشد تکنولوژی است. مسلمانان باید با پیشرفت در تکنولوژی و

گسترش ارتباطات، خود را برای جهش عظیم علمی عصر ظهور آماده کنند؛ چرا که در روایات آمده است که علم شامل ۲۷ حرف است که تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام، بشر فقط دو حرف آن را کشف کرده است.^۱ این که در روایات می‌گویند در عصر ظهور دو نفر در شرق و غرب عالم، گویی در مجلس واحد با هم صحبت می‌کنند^۲ را می‌توان در همین شبکه‌های اجتماعی مشاهده کرد؛ بنابراین جامعه‌ی اسلامی نباید گرفتار غفلت در پیشرفت علمی شود؛ زیرا یکی از راهبردهای عصر ظهور، ارتقاء علمی است.

علیرضا حدائق

۱. مختصر البصائر، ص ۳۲۰

۲. سرور اهل الایمان، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱؛ اثبات الهداة، ج ۵،

ص ۲۱۴؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۰۳؛ منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۷۲.

گفتار اول: شناخت امام زمان علیه السلام

قال الصادق علیه السلام:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ حُبِّنا وَ مُوالاتنا وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ طاعتنا أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنا. فَإِنَّ مِنْ شَأِننا أَلْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَأداءَ الأمانةِ إِلَى البرِّ وَالْفاجِرِ...^۱»

خداوند تبارک و تعالی محبت و ولایت ما را بر شما واجب کرده و اطاعت ما را بر شما لازم گردانید. هان، پس هرکس از ماست باید به ما اقتدا کند که همانا شأن ما پرهیزکاری و اجتهاد و ادای امانت برای نیکوکار و فاجر است.

اهل بیت علیهم السلام که بعد از پیامبر گرامی اسلام، سکانشان هدایت بشر بودند همواره با موانع و شدایدی روبرو بودند؛ ناآگاهی مردم از جایگاه امامت از یک سو و ظلم و فشار حاکمان ستمگری که برای

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۱۵

حفظ قدرت خود، دست به هر کاری - حتی به شهادت رساندن ائمه - می‌زدند. از سوی دیگر، عرصه را بر ایشان تنگ می‌کرد به گونه‌ای که امکان ارتباط با یاران و اصحاب در بسیاری از مواقع از ایشان سلب می‌شد.

به مقتضای قاعده لطف، امام معصوم موظف است لااقل کلیات هدایت را به هر شکل ممکن به مردم برساند. سیره‌ی اهل بیت هم بر این بوده که اصول و کلیات را در اختیار خواص از اصحاب قرار دهند و بدین طریق مسیر هدایت را برای بشر گشودند. در واقع این انوار مقدس، یا اصل تکلیف را برای مردم تبیین کردند و یا با تعلیم دادن اصول، راه رسیدن به تکلیف را برای مردم هموار می‌نمودند؛ به گونه‌ای که جامعه اسلامی - حتی در زمان فقدان امام معصوم - در حیرت و سرگردانی نمانند.

با مطالعه‌ی سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام در می‌یابیم که هرچه مسلمانان به زمان آخرین امام معصوم نزدیک‌تر می‌شدند ائمه آن‌ها را برای مواجهه صحیح با آن عصر، بیش‌تر آماده می‌کردند؛ به همین دلیل پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام علاوه بر آن که فشار حاکمان ظالم بنی‌عباس بین امام و مردم فاصله انداخته بود خود ایشان هم از انظار کناره‌گیری می‌کردند تا جایی که در بسیاری از موارد، حتی با خواص هم از پس پرده و با حداقل کلمات، سخن می‌گفتند. در

واقع اهل بیت علیهم السلام، پیروان خود را برای شیوه‌های جدید ارتباط‌گیری با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت آماده می‌کردند که مرحله‌ی پایانی این تعلیم، با آغاز غیبت صغرا و پس از شهادت امام عسکری علیه السلام آغاز و با ارتحال آخرین نایب خاص ایشان به اتمام رسید. از این پس شیعیان می‌بایست با توجه به تعالیم نورانی اهل بیت علیهم السلام، مسیر ایشان را ادامه دهند.

مجموعه‌ی این تعالیم، منشوری از وظایف مسلمین در عصر غیبت را ترسیم می‌کند که دارای ابعاد و حوزه‌های مختلفی است. به طور کلی «وظایف منتظران» در عصر غیبت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ وظایف فردی، وظایف اجتماعی و وظایف حکومتی. در حوزه‌ی وظایف فردی، اولین تکلیف یک شیعه راستین آن است که امام زمان خود را بشناسد. مقدمه‌ی این شناخت آن است که در قدم اول بدانیم چگونه باید امام را شناسایی کنیم و این شناخت چه آثاری در زندگی ما دارد؟ به عبارت واضح‌تر، انگیزه‌ی شناخت امام باید از قبل در وجود انسان ایجاد شده باشد؛ یعنی ابتدا باید به این پرسش پاسخ داده شود که شناخت امام از نظر شخصیت حقیقی و جایگاه اجتماعی و مقام ولایت چه آثاری در جان آدمی ایجاد می‌کند؟ اگر بخواهیم این سؤال را به شکل ساده مطرح کنیم باید بگوییم: چه ضرورتی دارد که ما امام زمان خود را بشناسیم و

در سایه‌ی این شناخت به کجا خواهیم رسید؟
در ادامه، درباره‌ی آثار و برکات شناخت امام و مواضع ضرورت
آن بحث خواهیم کرد و آنچه فعلاً از نظر می‌گذرد فهرستی از این
آثار است.

یکی از آثار شناخت امام معصوم است که محبت، علاقه و
دوستی ما نسبت به ایشان بیش تر می‌شود. قطعاً کسانی که امام و
احساس او راجع به مسلمانان را خوب بشناسند بیش تر قدردان امام
می‌شوند. مسلمانی که امام را همچون پدری مهربان می‌داند و
وجودش را مصداق روایت «الامام الوالد الشفیق»^۱ می‌داند این باور
در وجودش ریشه می‌زند که ایشان ما را بیش تر از خودمان دوست
می‌دارند و دغدغه‌ها و مشکلات ما برای حضرت ایجاد تأثر می‌کند.
هر انسانی چنین رهبر و پیشوایی را دوست داشته و قدر او را می‌داند
و محبت به این امام در وجودش ایجاد می‌شود.

۱. تحف العقول، ص ۱۱۹ ص ۴۳۶

گفتار دوم: شناخت شناسنامه‌ای امام زمان علیه السلام

قال الامام زين العابدين عليه السلام:

«في القائم مَنَّا سُنَنٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ... أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ
وَاعْتِزَالُ النَّاسِ»^۱

در قائم ما سنت‌هایی از هر یک از انبیا وجود دارد... اما از
ابراهیم مخفی بودن ولادت و کناره‌گیری از مردم.

سخن درباره‌ی وظایف فردی منتظران بود. بی‌شک اگر شناخت
آحاد جامعه نسبت به امام زمان علیه السلام زیاد شود و هر یک از افراد،
وظیفه‌ی خود را به درستی در برابر امام انجام دهند شاهد یک
حرکت فراگیر معرفتی در سطح جامعه خواهیم بود.

یکی از مسائلی که در حوزه‌ی شناخت امام عصر علیه السلام اهمیت
دارد، آگاهی از نَسَبِ شریف آن حضرت است. ابتدایی‌ترین مرحله -

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۲۲

ی شناخت، آن است که ما بدانیم امام زمان علیه السلام، فرزند کیست و از چه پدر و مادری متولد شده است؟ نحوه‌ی ولادت حضرت چگونه بوده و نسبت به سایر ائمه علیهم السلام از چه امتیازی برخوردار هستند؟ در قدم بعدی، یک شیعه‌ی راستین باید از نحوه‌ی زندگی کردن حضرت و گذران عمر شریفشان، چه در غیبت صغرا و چه در غیبت کبری، آگاهی داشته باشد؛ لذا شیعیان، پیروان و محبان امام زمان علیه السلام باید سیر مطالعاتی خود را نسبت به ایشان تقویت کنند؛ زیرا ما در برابر این امام عزیز، مأمور به ادای تکلیف هستیم. ایشان امام و حجت خدا بر ما و صاحب الزمان هستند و سزاوار است اگر شخصی درباره‌ی ایشان از ما سؤال کرد، بتوانیم با اطلاعات کافی و دقیق پاسخ بدهیم.

راز تولد مخفی امام زمان علیه السلام

یکی از نکاتی که مختص امام زمان علیه السلام است، نحوه‌ی ولادت آن حضرت است که بی شباهت با برخی از انبیا نیست. توجه به این امر در ارتقاء سطح معرفت ما نسبت به ایشان مؤثر خواهد بود؛ زیرا دریافت علت ضرورت این پنهان کاری و اینکه چرا عملکرد جامعه‌ی اسلامی باعث شد تا حجت خدا علیه السلام چنین پرده‌نشین شود، ما را در انجام صحیح وظایف یاری خواهد کرد تا دیگر شاهد غربت امام

معصوم نباشیم.

به دلیل خفقان شدید حاکم بر عصر امام حسن عسکری علیه السلام توسط بنی عباس، دوران حمل و ولادت حضرت بقیه الله علیه السلام مخفی بود؛ زیرا وجود مقدس رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام همگی بشارت ظهور یک منجی عدالت گستر را داده بودند و حتی نام حضرت و نَسَب مبارک ایشان در روایات بیان شده بود. با وجود این روایات و خبرها، دیکتاتورهای معاصر با امام هادی و امام عسکری علیه السلام به خوبی می دانستند که این منجی عدالت گستر، فرزند امام یازدهم شیعیان است؛ لذا به مدت بیست سال امام هادی علیه السلام در سامرا تحت نظر قرار می گیرند و پس از ایشان هم امام حسن عسکری علیه السلام به همین کیفیت تحت فشار و مراقبت های شدید بودند. خانه ی ایشان دائماً توسط جاسوسان رصد می شد و مأموران همه ی رفت و آمدها به منزل حضرت را کنترل می کردند. آن ها منتظر بودند که آن منجی عدالت گستری که بنیاد و بنیان ظلم و جور را به هم خواهد ریخت متولد شود و او را به شهادت برسانند؛ به همین دلیل آثار حمل این مولود مبارک در نرجس خاتون، حتی تا شب ولادت، مخفی بود به گونه ای که حکیمه خاتون عمه ی امام عسکری و محرم بیت ولایت است نیز از این موضوع بی اطلاع بود.

شب نیمه ی شعبان امام عسکری علیه السلام از ایشان خواستند تا در

خانه‌ی حضرت حضور داشته باشد؛ چراکه آن منجی موعود امشب پا به عرصه‌ی گیتی می‌گذارد. حکیمه خاتون با تعجب عرض کرد: من آثار حمل و بارداری در همسر شما مشاهده نمی‌کنم! امام علیه السلام در پاسخ فرمودند امشب وعده‌ی الهی تحقق می‌یابد.^۱

حکیمه خاتون آن شب را در منزل امام عسکری علیه السلام به تهجد و راز و نیاز پرداخت اما همچنان آثاری از درد و بارداری در جناب نرجس مشاهده نمی‌کرد تا آنجا که یک لحظه تردید کرد که مبادا آنچه که پسر برادرم گفته تحقق پیدا نکند؟! در همین لحظه صدای امام عسکری علیه السلام از اتاق دیگر برخاست و خطاب به عمه‌شان فرمودند: در وعده الهی تردید نکنید. لحظاتی بعد نرجس خاتون با اضطراب و درد شدید در حالی که آثار حمل در چهره‌اش نمایان بود از خواب بلند شد و سرانجام در سحر نیمه‌ی شعبان، وجود مقدس امام زمان متولد شدند.^۲

حضرت بقیة الله خصایص و ویژگی‌های متعددی دارند که هر یک را از یکی از انبیا الهی به ارث برده‌اند که ولادت مخفی یکی

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۴۲۴.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۴۲۵.

از آن‌ها بود؛ از این رو امام زین العابدین علیه السلام در روایتی، تعدادی از ویژگی‌های امام زمان عجل الله فرجه را که برگرفته از انبیا الهی است برمی‌شمرد. یکی از ویژگی‌هایی که ذکر می‌کنند شباهت امام عصر عجل الله فرجه با وجود مقدس ابراهیم خلیل الرحمان است؛ «أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ» امام زمان نیز مانند حضرت ابراهیم علیه السلام مخفیانه متولد شدند و به دلیل شرایط خاص حاکم بر روزگار، همچون ایشان، از مردم فاصله گرفتند. در واقع همان خطراتی که جان حضرت ابراهیم علیه السلام را در بدو تولد به مخاطره می‌انداخت، جان امام زمان عجل الله فرجه را هم تهدید می‌کرد؛ بعبارت بهتر، شرایط زمان تولد این دو ولی الهی، شباهت زیادی به یکدیگر داشت و همین امر سبب شباهت در ولادتشان شده است.

گفتار سوم: شناخت امام، وظیفه‌ای همگانی

در ادامه‌ی مباحث مهدویت، بایسته‌های عصر انتظار را مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ یعنی می‌خواهیم بدانیم در دوران انتظار و در عصر غیبت، مردم باید چه مسائلی را رعایت کنند و به آن‌ها توجه داشته باشند. به طور کلی بایسته‌های عصر انتظار به دو دسته تقسیم می‌شود؛ یک دسته وظایف عام و همگانی است. دسته دوم هم تکالیف خاص است.

شناخت امام

مهمترین وظیفه‌ی عمومی مردم در عصر انتظار - که در روایات ما به آن تأکید شده است - شناخت امام زمان علیه السلام است. این امر، مختص دوران امام زمان علیه السلام نیست و در هر دوره و زمانی مردم موظف هستند که امام خود را بشناسند. این شناخت، تأثیر زیادی در پویایی جامعه دارد. به گواهی تاریخ، هر زمان که مردم امام و رهبر الهی را نشناختند آسیب‌های سنگینی را متحمل شده‌اند.

روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شد که می‌فرمایند:

«اعْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ
أَوْ تَأَخَّرَ»^۱

اگر کسی امام زمان خودش را شناخت دیگر به او زیان نخواهد رسید که ظهور نزدیک بشود یا امر ظهور به تأخیر بیفتد.

کسی که امام خود را شناخته باشد هر مقدار هم که غیبت طولانی شود به وظایف خودش عمل می‌کند و اگر ظهور واقع شود او آماده است اما ظهور یا غیبت امام در روحیه و اعتقاد او خللی ایجاد نمی‌کند. در زمان دیگر معصومین علیهم‌السلام هم کسانی امام زمان خود را شناخته بودند که در کنار امام زندگی نمی‌کردند و در بلاد و شهرهای دیگر بودند. آن‌ها با وجود آنکه از نزدیک با امام مأنوس نبودند اما بر ولایت ایشان پایدار بودند. بعضی هم در کنار امام زندگی می‌کردند ولی از معرفت امام بهره‌ای نبرده بودند. مثلاً در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ابولهب که عموی پیغمبر و ساکن مکه است پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نشناخته و لحظه‌ای از عداوت با ایشان دست نکشید و عاقبتی شوم برای خود رقم زد. در مقابل او پس قرنی یک چوپان یمنی است که به عشق دیدار پیامبر از یمن به مدینه آمد اما موفق به دیدار ایشان نشد ولی پیامبر از این جوان بامعرفت، تجلیل شایانی می‌کنند. از این رو باید گفت مهم‌تر از دیدن امام عصر، شناخت ایشان است.

علی علیه السلام می فرماید:

«وَإِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قُورَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ، وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ»!

همانا ائمه، از طرف خداوند، تدبیرکنندگان امور مردم و کارگزاران آگاه بندگان هستند. کسی داخل بهشت نخواهد شد مگر آنکه آن را شناخته و ایشان نیز او را بشناسند و کسی در جهنم سرنگون نمی شود مگر آنکه منکر ائمه شود و ایشان هم او را نپذیرند.

در طول تاریخ حیات ائمه علیهم السلام انسان های موفق و شایسته کسانی بودند که ائمه علیهم السلام را شناخته بودند و از ایشان تبعیت کردند و کسانی که از ائمه علیهم السلام فاصله گرفتند و دچار جهل شدند در مسیر ضلالت و گمراهی قرار گرفتند. این مسأله در امت های قبل از اسلام هم جریان داشت. آنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را شناختند و دست به دامان او شدند سعادت مند و کسانی که حاضر به تبعیت از ایشان نشدند در تاریخ از آن ها به عنوان گمراهان یاد می شود.

پس یکی از وظایف عمومی در عصر غیبت، شناخت هر چه بهتر و بیش‌تر امام می‌باشد. برای تحقق این مهم، جوانان عزیز و آحاد جامعه باید سیر مطالعاتی خود را نسبت به امام زمان علیه السلام افزایش دهند. از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت سیدالشهدا به اصحاب خود فرمودند:

«خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! بِأَيِّ أَنْتَ وَ أُمِّي، فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»^۱.

روزی حضرت امام حسین علیه السلام به سمت اصحاب خود خارج شده، فرمود: ای مردم! خداوند خلق ننموده است بندگان را مگر از برای آنکه او را بشناسند و چون او را شناختند عبادتش کنند، و چون او را عبادت نمودند بی‌نیاز شوند از عبادت غیر او. مردی عرض کرد: یا ابن رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد، معرفت خدا چگونه است؟ فرمود: اینکه اهل هر زمانی، امام زمان خود را که اطاعت فرمایشات و اوامر و نواهی ایشان واجب است را بشناسد.

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۹

تمام انبیاء و ائمه علیهم السلام بشر را به سوی شناخت خدا رهنمون می-کردند. در واقع تعالیم ایشان مقدمه‌ی خداشناسی است. امام‌شناسی هم یک راه برای رسیدن به توحید است با این تفاوت که، این امر آن قدر مهم است که می‌توان گفت هر کس امام زمان خود را شناخته باشد، به مقصد رسیده است؛ یعنی راه رسیدن به خداشناسی واقعی آن است که ما امام زمان علیه السلام را بشناسیم. کسانی که به امام زمان خود معرفت پیدا کرده باشند قطعاً در خداشناسی هم موفق هستند و عدم معرفت امام، مسیر بندگی خدا و تبعیت از او امر الهی را دست نیافتنی می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ، لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لُؤَائِهِ. قَالَ: وَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ بِمَنْزِلَةِ مَنْ أُشْتُشِهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.»^۱

هر که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر علیه السلام بمیرد چون کسی باشد که در قشون او است، نه، چون کسی که زیر پرچم او است. گوید: یکی از اصحابش گفت: به مانند کسی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده.

گفتار چهارم: معرفت، سرمنشأ محبت

ایجاد رابطه‌ی عاطفی هم مانند هر پدیده‌ی دیگری، نیاز به مقدماتی دارد که بدون وجود آن‌ها، محبت حاصل نمی‌شود. علت محبت ریشه‌دار به امام معصوم «معرفت» است. معمولاً انسان‌ها وقتی به چیزی معرفت پیدا کنند قدر آن را خواهند دانست و از ارزش آن آگاه می‌شوند و بهره‌ی لازم را از آن خواهند برد. در روابط اجتماعی هم شاهد جریان همین قاعده هستیم. علت بسیاری از ناسپاسی‌ها و بی‌حرمتی‌ها، فقدان معرفت است؛ عدم حصول معرفت باعث می‌شود تا فرزند وظایفش را نسبت به پدر و مادر درست اجرا نکند. همین نبود معرفت نسبت به نعمت فرزند سبب می‌شود که پدر و مادر در انجام رسالت خود در مقابل فرزندان‌شان درست عمل نکنند و حاصل این اتفاق تلخ آن است که محبت واقعی بین والدین و فرزندان شکل نمی‌گیرد.

از برکات شناخت و معرفت به امام زمان علیه السلام، ایجاد محبت و دوستی با امام زمان علیه السلام است. معرفت باعث می‌شود که محبت ما به

امام زمان علیه السلام افزایش پیدا کند. حدیثی که در گفتار قبل از امام صادق علیه السلام بیان شد ناظر به همین مطلب است. حضرت در آن حدیث شریف فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی محبت و ولایت و اطاعت ما را بر شما واجب کرده است»^۱.

با بیانی که در سطور قبل گذشت، این محبت، حاصل معرفت است و می توان نتیجه گرفت که امام علیه السلام ما را به کسب معرفت امر فرموده است. در سایه ی این معرفت خواهیم دانست که امام زمان علیه السلام ما را بیش تر از خودمان دوست می دارند. این ویژگی رهبران الهی است که بندگان خدا را حتی بیش تر از خودشان دوست می دارند. چه بسا بنده ای که خاطرش از گناه مکدر نشود اما قلب امام زمان علیه السلام از همان گناه رنجیده می شود. دلیل این رنجش خاطر ایشان هم دور شدن بنده از مسیر تعالی و عبودیت است. قرآن کریم این ویژگی را در آیات ابتدایی سوره ی طها برای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم توصیف می کند؛ آنجا که می فرماید:

﴿طه﴾ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ أَنْ لَتَشْقَىٰ * إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ *^۲

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۱۵

۲. طه: ۳ تا ۱

طاها، قرآن را بر تو نازل نکرده‌ایم که در رنج افتی، تنها هشدار است برای آن که می‌ترسد.

صرف نظر از تکلیفی که خداوند برای شناخت امام بر عهده ما نهاده است، باید چنین امامی را دوست داشت. مرحوم سیدبن-طاووس می‌فرماید: در یک سحرگاه در سرداب مطهر (منزل حضرت در سامراء) از حضرت صاحب‌الأمر ارواح‌نفاذ این مناجات را شنیدم که می‌فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً إِيكَالاً عَلَى حُبِّنَا وَ وِلَايَتِنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيهَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَ قَاصِ بِهَا عَنْ حُسَيْنَا وَ ادْخُلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ رَحِّزْهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ»^۱.

خدایا، شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه‌ی طینت ما خلق کرده‌ای، آن‌ها گناهان زیادی با اتکاء بر محبت به ما و ولایت ما کرده‌اند، اگر گناهان آن‌ها گناهی است که در ارتباط با

۱. این مطلب به نقل از مرحوم علامه مجلسی قدس سره از ملحقات کتاب *انیس‌العابدین* و علامه میرزا حسین نوری قدس سره می‌باشد. البته محدث نوری در *نجم‌الثاقب* در ذیل حکایت ۱۹ در انتساب این واقعه به سیدبن طاووس تردید می‌فرماید.

توست، از آن‌ها بگذر که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آن‌ها که در ارتباط با خودشان است، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست، به آن‌ها بده تا راضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آنان را با دشمنان ما در خشم و سخط خود جمع نفرما.

از محبت تا اقتدا

امام صادق علیه السلام پس از بیان وجوب محبت و قبول ولایت امام معصوم می‌فرمایند: «وَفَرَضَ عَلَيكُمْ طَاعَتَنَا: خداوند اطاعت ما را بر شیعیان واجب کرده است»

فراز دیگر حدیث امام صادق علیه السلام به یک نکته لطیف اشاره می‌کند؛ حبیب و محبوب به واسطه‌ی محبت با هم یکی می‌شوند یا به تعبیر دیگر، یک روح می‌شوند در دو بدن، که تحقق این معنا فقط در یک صورت شکل می‌گیرد؛ این که بین دو نفر، محبت آگاهانه برقرار شود.

در این فراز از روایت حضرت به همین معنا اشاره می‌فرمایند و جمله‌ی خود را با عبارت «أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنَا: آگاه باشید هر

۱. الإختصاص، ص ۲۴۱

۲. همان

که از ماست، به ما اقتدا کند» آغاز می کنند. این نشان می دهد که حاصل محبت و قبول ولایت و اطاعت از اوامر امام معصوم باعث ایجاد یگانگی بین مؤمنان و امام می شود. اما همین یکی شدن، تکالیفی را بر عهده‌ی پیروان می گذارد که در فصول آینده به آن اشاره می کنیم.

طبق این فرمایش گهربار امام صادق علیه السلام، شیعه‌ی راستین باید به امام خویش اقتدا کند. «اقتدا» معنایی وسیع‌تر از پیروی کردن دارد که خود حاوی معانی معرفتی بسیار زیادی است که در این مختصر نمی گنجد. اما خلاصه‌ی آن، عبارت است از پیروی کردن مو به مو، آن هم از روی علم و آگاهی کامل. سپس امام علیه السلام سه ویژگی مهم را به عنوان شئون امام معصوم برمی شمارند که اگر قرار باشد شیعیان به این انوار مقدس اقتدا کنند باید این ویژگی‌ها را در خود پرورش دهند. این سه ویژگی عبارت است از «ورع» یا پاکی، «اجتهاد» یا سخت کوشی برای دین، «وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ» یا همان امانت‌داری است؛ خواه طرف‌مقابل نیکوکار باشد یا فاسق.

طبق بیان امام صادق علیه السلام، شأن اهل بیت علیهم السلام اولاً پاکی است.

اگر ما امام خود را به عنوان مظهر پاکی شناختیم به تاسی از ایشان، با ورع زندگی می‌کنیم و از گناه فاصله می‌گیریم.
 علی علیه السلام در نهج البلاغه، ورع را مصداق یاری خود می‌داند و می‌فرماید:

«أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ»^۱:

مرا با پاکی و دوری از گناه کمک کنید.

ویژگی دوم اهل بیت علیهم السلام «اجتهاد» است که به معنی کوشش و تلاش در زندگی و خستگی‌ناپذیر بودن می‌باشد. پیوند بین ورع و اجتهاد در کلام دو امام معصوم به این شکل جمع می‌شود که بگوییم اهل بیت علیهم السلام مظهر این دو صفت هستند و برای یاری ایشان، ما نیز باید این دو صفت را در وجودمان نهادینه کنیم. اگر ما با زبان، قلم، ثروت و وجودمان برای اعتلای نام و سیره‌ی اهل بیت رسول‌الله صلی الله علیه و آله قدم برداریم در مسیر ورع و اجتهاد قرار گرفته‌ایم. سومین صفت بارز امام معصوم «وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ»^۲ است؛ چه نسبت به افراد نیکوکار و چه نسبت به انسان‌های گنهکار.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۳۱۷

۲. الإختصاص، ص ۲۴۱

ائمہ علیہم السلام مظهر امانت‌داری بودند. امانت‌داری در سیره‌ی
 اهل بیت علیہم السلام آن قدر اهمیت دارد که آن را به «سر» تشبیه کرده‌اند.
 امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند:

رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ ۱.

امانت‌داری به منزله‌ی سر برای اسلام است.

و امانت‌داری را بالاترین درجه‌ی دینداری نامیده و فرموده‌اند:

أَفْضَلُ الْإِيمَانِ الْأَمَانَةُ ۲

بالاترین درجه ایمان، امانت‌داری است.

در مکتب اهل بیت علیہم السلام خیانت در امانت، آن قدر مذموم است که
 شخص خائن را از دایره محبت اهل بیت علیہم السلام خارج می‌کند. نبی
 گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ بِالْأَمَانَةِ ۳

هر کس خیانت در امانت کند از ما نیست.

۱. فهرست غرر، ص ۲۶

۲. غرر الحکم، حدیث ۲۹۰۵

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷۲

این عمل تا بدان جا ناپسند است که اهل بیت حتی در برابر خائن هم اجازه‌ی خیانت در امانت به ما نداده‌اند^۱ و فرموده‌اند امانت را هر چند صاحبش کافر باشد به او برگردانید.^۲

حال وجدان‌های بیدار، خود اندیشه کنند؛ آیا کسی که هیچ یک از رفتارهایش با مرام اهل بیت علیهم‌السلام برابر نیست، می‌تواند خود را پیرو ایشان بداند و آیا چشمان چنین انسانی لایق دیدن امام هست؟ به قول مرحوم آیت‌الله فیض کاشانی:

گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رُخَم عیان است^۳

۱. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۳۵

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۲۳

۳. فیض کاشانی، دیوان اشعار، غزل ۹۶

گفتار پنجم: معرفت امام علیه السلام سبب آرامش قلب

در صفحات قبل اشاره‌ی مختصری به لزوم معرفت امام شد. معرفت و شناخت هر چیزی، سبب مواجهه صحیح با آن پدیده و در نهایت موجب آرامش است و ناشناخته بودن پدیده‌ها، عامل ایجاد اضطراب و سردرگمی است.

غیبت امام زمان علیه السلام نیز یکی از پدیده‌های غیرقابل انکار است. معرفت در حوزه‌ی امام‌شناسی، سبب می‌شود تا اولاً گفتار ائمه علیهم السلام در مورد اصل وجود امام زمان علیه السلام بر جان ما بنشیند و ثانیاً انتظار، شکل عبادت آگاهانه‌ی توأم با انجام وظایف به خود بگیرد. امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرمایند:

«اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ
أَوْ تَأَخَّرَ»^۱

امام خودت را بشناس که اگر امام خودت را شناختی، دیر یا

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

زود شدن امر غیبت، به تو زیان نخواهد رساند.

این فرمایش امام صادق علیه السلام کنایه از آن است که اگر کسی امام را شناخت، چه در زمان حیات او ظهور محقق شود یا به تأخیر بیفتد، غیبت طولانی شود یا از عمر آن کاسته شود، در اعتقاد او خللی ایجاد نمی‌شود. در حقیقت، شیعیان راستین، تکلیف محور عمل می‌کنند و چون می‌دانند سرانجام کار دنیا به دست امام زمان علیه السلام است، با دل آرام و قلب مطمئن در مسیر ترویج و تعالی دین گام برمی‌دارند. آن‌ها اگر مفتخر به درک عصر ظهور شوند، با شعف و صف ناشدنی کمر به خدمت امام خواهند بست و اگر از فیض حضور محروم شوند و پیش از ظهور از دنیا بروند شادمان از آنند که با انجام تکالیف خود لبخند رضایت را بر لبان امام زمان علیه السلام نشانده‌اند. این حالت در دوران ائمه علیهم السلام هم جاری بود. برخی از یاران ائمه علیهم السلام، دور از ایشان زندگی می‌کردند اما مورد تأیید آن‌ها بودند و حضرات معصومین علیهم السلام برای آن‌ها دعا می‌کردند. بعضی هم در کنار امام و در شهری که امام زندگی می‌کرد، بودند و هر روز امام زمان خودشان را می‌دیدند اما با ایشان مبارزه می‌کردند. به عنوان مثال در واقعه عاشورا، تمام لشکر کوفه و شام، امام زمان خودشان را در صحرای کربلا دیدند اما به روی ایشان شمشیر کشیدند و دست خود را به خون امام آغشته کردند. مشکل آن‌ها

این بود که نسبت به مقام امام «معرفت» نداشتند. در همان واقعه‌ی عاشورا ما تابلوی زیبای معرفت به امام را در میان اصحاب امام حسین علیه السلام می‌بینیم. در سپاه کوچک امام، غلام سیاه‌پوستی مثل جُون و آن غلام ترک و اشراف‌زادگانی مثل حر، حبیب و نیز بنی‌هاشم، در صف واحد جان دادند اما دست از یاری امام خود نکشیدند. تفاوت گروه کوفیان با اصحاب معدود و محدود امام حسین علیه السلام در همین معرفت بود.

معنای فرمایش امام صادق علیه السلام همین است. معرفت امام، وظیفه‌ای است که همه‌ی ما بر عهده داریم. قطعاً اگر امام زمان خود را شناختیم، طولانی شدن غیبت، در ایمان و اعتقاد و رفتار ما تأثیر منفی نخواهد گذاشت.

به طور خلاصه می‌توان گفت، رؤیت امام، فرع بر معرفت ایشان است. ممکن است عاشقی همچون اویس قرنی با تمام ارادتی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارد موفق به زیارت ایشان نشود اما قلبش چنان به معرفت نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پیوند بخورد که در زمره‌ی یاران خاص ایشان قرار بگیرد. از آن سو، کسانی در مدینه در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زندگی می‌کردند که لحظه‌ای از توطئه علیه ایشان فروگذار نمی‌کردند.

امیرالمومنین علیه السلام در عبارتی، محوریت معرفت به امام را این گونه

بیان می‌فرمایند:

«إِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قُورَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا يَدْخُلُ
الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ»^۱
همانا امامان دین، از طرف خداوند تدبیرکنندگان امور مردم و
کارگزاران آگاه بندگان هستند. کسی داخل بهشت نخواهد
شد مگر آنکه آن را شناخته و ایشان نیز او را بشناسند و کسی
در جهنم سرنگون نمی‌شود مگر آنکه منکر ائمه شود و ایشان
هم او را نپذیرند.

نتیجه‌ی شناخت و معرفت به امام معصوم آن است که به سوی
دستورات الهی سوق پیدا می‌کنیم. اوامر آنها را اجرا خواهیم کرد
و منهیات ایشان را ترک می‌کنیم؛ چون اوامر آنها، دستورات الهی
و آنچه نهی کرده‌اند را موجب غضب پروردگار می‌دانیم.

۱. بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۳۹

گفتار ششم: پیوند روحی با امام زمان علیه السلام

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که پیروز و رستگار گردید.

در این آیه‌ی شریفه، خداوند پس از آنکه مردم را با عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» خطاب می‌کند که خود بیانگر آن است که اجرای فرامین به شرط ایمان نافع خواهد بود، چهار دستور به بندگان می‌دهد؛ اول، «اصبروا». دوم، «صابروا». سوم، «رابطوا» و چهارم «اتقوا الله». نتیجه رعایت این چهار دستور، رستگاری شما است.

۱. آل عمران: ۲۰۰

این سؤال همواره ذهن انسان‌ها به خصوص مؤمنان را به خود مشغول کرده است که: چگونه راه رستگاری را بیابیم؟ یا به تعبیر دیگر، چه کنیم که عاقبت بخیر شویم؟.

این آیه، چهار نکته را به مؤمنان یادآور می‌شود که با رعایت آن‌ها قطعاً مردم سمت عاقبت بخیری خواهند رفت.

اولین فرمان «صبر» است؛ یعنی چه در برابر حوادث و مشکلات زندگی و چه در مصائب و ناملایمات، عنان صبر از کف ندهند. زندگی انسان‌ها از بدو خلقت آمیخته با سختی است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾^۱

ما انسان را به حقیقت در رنج و مشقت آفریدیم (و به بلا و محنتش آزمودیم).

همه زندگی‌ها دارای فراز و نشیب است. جوانی می‌رود و پیری، از پی آن می‌آید. سلامتی سلب می‌شود و بیماری به دنبال آن می‌آید. ثروت هم یک روز هست و روز دیگر نیست.

یکی از تاجران برجسته کویته که از برادران اهل سنت است گفت من دو مرتبه در زندگی ورشکست شدم تا آنجا که چهل شبانه روز حتی برای تهیه نان خالی هم دچار مشقت می‌شدم.

این طبیعت زندگی است؛ در کنار خوشی‌ها، ناخوشی و در کنار سلامتی، بیماری و پس از دوران جوانی، پیری از راه می‌رسد. اگر کسی به دنبال رستگاری است توصیه اول این است که شکیبایی در برابر حوادث و ناملايمات زندگی را فراموش نکند.

دومین دستور قرآن هم به صبر مربوط است که با واژه‌ی «صابروا» بیان شده است. در واقع مؤمنان دوباره دعوت به صبر شدند اما در موضع و موضوع دیگر. در برخی از روایات صابروا به معنی آن است که در برابر فشارهای کفار، صبور و شکبیا باشیم.

دشمنان انبیا و ائمه علیهم‌السلام در طول تاریخ با ظلم و ستم بر جهل مردم سوار بودند و همیشه از دین بعنوان یک عنصر آگاهی‌بخش، واهمه داشتند؛ از این رو همیشه در حال توطئه علیه دین بوده و هستند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ﴾^۱؛

تو پیوسته بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی

این آیه‌ی شریفه به مسلمانان دستور می‌دهد که در برابر تهدیدها و شیطنت‌ها نیز باید صبر و شکیبایی پیشه کنند.

دستور سوم قرآن، مرزبانی از اعتقادات و اندیشه‌ی دینی است که با واژه «رابطوا» بیان شده است. مرابط در زبان عربی به معنی مرزبان است. مسلمانان به حکم این آیه باید از مرزهای جغرافیایی، اعتقادی و فکری خود سنگربانی کنند و مراقب باشند که دشمن در عقیده آن‌ها نفوذ نکند همچنان که از مرزهای جغرافیایی خود مراقبت می‌کنند.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در جمله‌ای حکیمانه‌ای نسبت به ورود عراق در دفاع مقدس فرمود:

«وارد شدن ما در عراق نه برای این بوده است که ما عراق را می‌خواهیم تصاحب کنیم یا بصره را. ما وطنان بصره و شام نیست، ما وطنان اسلام است. ما تابع احکام اسلام هستیم... امروز که ما باز برای دفاع از کشور خودمان و دفاع از ملت مظلوم خودمان وارد شدیم در عراق، برای اینکه نگذاریم هر روز آبادان و اهواز و اینجاها مورد حمله‌ی آن‌ها واقع بشود»^۱.

در حقیقت مرحوم امام خمینی با اشاره به اینکه ما برای دفاع از زمین نمی‌جنگیم، ما برای دفاع از مرزهای اعتقادی و آنچه که دین به ما تکلیف کرده سلاح به دست گرفتیم؛ زیرا زیر بار ظلم نباید

۱. خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه‌ی امام، ج ۱۶، ۳۹۲.

رفت و اگر دفاع می‌کنیم به اعتبار اینکه قرآن می‌فرماید از حریم خود دفاع کنید، دفاع از باورها و مرزها را جزء جدانشدنی زندگی مسلمین بیان می‌کند.

فراز پایانی این آیه دستور چهارم را برای مؤمنان صادر می‌کند. اتقوا الله، تقوا پیشه کنید. در سایه‌ی تقوا، مؤمنین در کنار یکدیگر برای اعتلای کلمه‌ی الله در صف واحد قدم می‌زنند. تقوا یا درستکاری باعث می‌شود که جامعه‌ی اسلامی به پیشرفت روز افزون دست پیدا کند.

روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه نقل شده است که ارتباط آن را با امام زمان علیه السلام روشن می‌کند. حضرت می‌فرمایند: «إصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ!». در این آیه خداوند امر فرموده که بر انجام واجبات صبر کنید؛ زیرا پایداری در انجام واجبات کار آسانی نیست و نیازمند صبر است.

حضرت در ادامه به تبیین کلمه‌ی «وَصَابِرُوا» پرداخته و فرمودند یعنی بر مصیبت‌ها صبر کنید. در پایان منظور از «رابطوا» را حفظ ارتباط و پاسداری از ائمه معنا کرده‌اند.

با این کلام امام صادق علیه السلام، این بخش از آیه با موضوع مهدویت

گره می خورد؛ چرا که ما باید در دوران غیبت، رفتار و افکار و نوع نگاهمان به زندگی را در راستای ارتباط با امام تعریف کنیم.

علاوه بر حدیثی که از امام صادق نقل شده روایتی هم از امام باقر علیه السلام به ما رسیده که صراحتاً منظور از «رابطوا» در عصر غیبت را ارتباط با امام زمان علیه السلام بیان می کند. امام می فرمایند:

«إِصْبِرُوا عَلَىٰ أَذَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عُدْوَانَكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ
الْمُنْتَظَرَ»^۱

بر انجام واجبات صبر کنید و در مقابل دشمنان صبورانه مقاومت کنید و ارتباط خود را با امام محکم نمایید.

هم زمان با آغاز نبوت حضرت آدم علیه السلام تا زمان نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و پس از ایشان، دشمنان دین برای خاموش کردن نور هدایت از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. اما طبق بیان امام باقر علیه السلام مسلمین مامور به مقاومت بودند.

امام علیه السلام در شرح واژه «رابطوا» می فرمایند: ارتباط خود را با امام زمان علیه السلام برقرار کنید. اکنون که ما در عصر غیبت هستیم باید شیوه های ارتباط در این زمان را هم یاد بگیریم. یاد حضرت و دعا برای فرج ایشان و تطبیق اعمال، افعال و افکار با نظر امام زمان علیه السلام از جمله شیوه های برقراری ارتباط است.

گفتار هفتم: اکسیر جلب محبت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ

قال الامام الجواد عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«ثَلَاثُ خِصَالٍ تُجْتَلَبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةُ، الْإِنْصَافُ فِي الْمَعَاشِرَةِ، وَ
الْمُوَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ، وَالانْطِوَاعُ وَالرُّجُوعُ عَلَى قَلْبِ سَلِيمٍ»^۱
سه چیز موجب جلب محبت می‌شود. انصاف در معاشرت و
مواسات و برابری در گرفتاری و هماهنگی، و برگشت به قلب
درست و سالم.

با محور قرار دادن فرمایش گهربار امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ که در ابتدای
کتاب بدان اشاره شد، همچنان درباره‌ی جلب محبت به عنوان
مهمترین عامل برقراری ارتباط با امام در حوزه‌ی وظایف فردی،
بحث می‌کنیم. واضح است که برای جلب محبت، باید شیوه‌ها و
عوامل آن را به خوبی شناسایی کنیم.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، صفحه ۸۲

روایت امام جواد علیه السلام به بیان شیوه‌های جلب محبت پرداخته است. ایشان سه خصلت را به عنوان عامل جلب محبت بیان می‌کنند؛ یکی از این خصلت‌ها **الْإِنصَافُ فِي الْمُعَاشِرَةِ** است؛ یعنی در معاشرت با مردم انصاف داشته باشیم و آنچه که برای خود می‌پسندیم برای دیگران هم بیسنندیم؛ به تعبیر دیگر خود را جدا از مردم ندیدن و آن‌ها را مثل خود دیدن انصاف است.

انسان‌های با انصاف، چه در کسب و کار و چه در روابط اجتماعی، مورد محبت سایرین قرار می‌گیرند.

دومین عامل، **الْمُوَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ** است؛ یعنی انسان در سختی‌ها و مشکلات در کنار مردم باشد. این لزوماً به معنی همراهی مادی و مالی نیست. گاه ممکن است با یک همدردی ساده این همراهی تحقق پیدا کند؛ بنابراین مؤمنان همدل نباید به توجیه این که خود گرفتار مشکلات فراوان هستند رسم مساوات را فراموش کنند.

سومین عامل جلب محبت در بیان امام جواد علیه السلام **الْإِنطِوَاعُ وَالرُّجُوعُ عَلَى قَلْبِ سَلِيمٍ**، بازگشت به قلب سلیم و تحصیل آن است. اساساً مردم انسان‌های پاک، راستگو و متواضع - که ثمره‌ی قلب سلیم است - را دوست می‌دارند. حتی کسانی که از ارزش‌های دینی فاصله دارند در برابر فضایل و ملکات اخلاقی، متواضعانه رفتار می‌کنند. تصور انسان‌ها آن است که اشخاصی که زندگیشان با

معنویت گره خورده و صاحب قلب سلیم هستند در معاشرت هم جانب انصاف را رعایت می کنند و به همین دلیل در فصل خصومات - به رغم آن که خود اهل ایمان نیستند - ترجیح می دهند به سراغ مؤمنان بروند. همه از یک انسان صادق و متواضع اظهار رضایت می کنند و در اختلافات هم رأی چنین شخصی را حجت قرار می دهند.

این سه خصلت، عواملی هستند که باعث جلب محبت می-شوند. ترسیم رفتار ما با امام زمان علیه السلام و جلب محبت در مورد ایشان هم از همین قاعده پیروی می کند. قطعاً اگر ما بخواهیم محبت امام زمان علیه السلام را به سمت خود جلب کنیم باید به همین سه خصلت توجه داشته باشیم و در تمام شئون و مراحل زندگی جانب انصاف، مواسات و سلامت نفس را رعایت کنیم. سیره رهبران الهی نیز همین بوده است که تمام آن‌ها مردم را مثل خود می دیدند و حتی با دشمنان خودشان هم بدی نکردند.

کریمان با بدان هم بد نکردند کسی را از در خود رد نکردند^۱

حکایت مهربانی

کنیز امام صادق علیه السلام به نام سالمه نقل کرده است که امام علیه السلام در ساعات آخر عمر شریفشان، جمعی از بستگان خود را نام برده و فرمودند: فلان مبلغ پول به آن ها بدهید، از جمله هفتاد دینار به حسن افطس بدهید.

عرض کردم: آیا به حسن افطس که قبلاً با کارد بزرگی به شما حمله کرده و می خواست شما را به قتل برساند بدهیم؟

امام صادق علیه السلام آیه شریفه **﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾**؛ و (خردمندان) کسانی هستند که آنچه را خداوند به پیوند با آن فرمان داده پیوند می دهند و در برابر پروردگارشان (بخاطر شناختی که دارند خشوع و) خشیت دارند و از سختی حساب می ترسند؛ را که درباره ی صله رحم است خواندند و فرمودند: آیا نمی خواهی به فرمان این آیه عمل کنیم؟

ای سالمه! خداوند بوی خوش بهشت را به گونه ای آفرید که به فاصله ی دو هزار سال راه آن استشمام می گردد. ولی همین بوی خوش با تمام گستردگیش به افرادی که عاق والدین گردیده و

کسانی که صله رحم را به جا نیاورند نمی‌رسد.^۱

این ویژگی بزرگ اخلاقی رهبران الهی است که حتی با کسانی که به آن‌ها بدی می‌کردند نیز با محبت رفتار می‌کردند. اگر ما بخواهیم مورد توجه امام زمان علیه السلام قرار بگیریم همین اخلاق اولیا الهی و ائمه طاهرین را باید سیره‌ی زندگی خودمان قرار دهیم. این رفتار باعث جلب محبت می‌شود. به طور طبیعی ما در مسائل مالی منفعت را برای خود می‌پسندیم و اگر بخواهیم در مسیر امام زمان علیه السلام حرکت کنیم باید برای دیگران هم آن را بپسندیم. اگر ضرر و زیان برای ما ناپسند است باید آن را برای دیگران هم ناپسند بدانیم. این طرز تفکر و عملکرد سبب می‌شود که محبت امام زمان علیه السلام به سمت ما جلب شود؛ چون خود حضرت این گونه است. مداومت و همراهی در معنویات نیز گام مهمی در جلب محبت امام زمان علیه السلام است. ما هرچه در معنویات و بندگی خدا جدی‌تر باشیم و نسبت به انجام واجبات و ترک محرمات تلاش بیشتری کنیم قطعاً محبت امام زمان علیه السلام را در حق خود روا داشته‌ایم.

گفتار هشتم: محبت اهل بیت علیهم السلام، کلید درب بهشت

قال الصادق عليه السلام:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ حُبِّنا وَ مَوالاتنا وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ طاعتنا. أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنا. فَإِنَّ مِن شَأِننا أَلْوَرَعَ وَ الإِجْتِهَادَ وَ أداءَ الأمانَةِ إِلى البَرِّ وَ الفاجِرِ وَ صِلَةَ الرَّحِمِ وَ إِقراءَ الضَّيْفِ وَ العَفْوَ عَنِ المُسِيءِ وَ مَنْ لَمْ يَقْتَدِ بِنا فَلَيْسَ مِنَّا»^۱.

خداوند محبت و ولایت و اطاعت ما را بر شما واجب کرده است؛ پس هر کس از ماست، به ما اقتداء کند. روش و منش ما این‌هاست: تقوی، تلاش و کوشش، ادای امانت نیکوکار و گنهکار، و صله رحم و گرامیداشت میهمان و گذشت از خطاکار. و کسی که از ما پیروی نکند، از ما نیست.

همان‌طور که اشاره شد یکی از وظایفی که در حوزه‌ی تکالیف فردی منتظران باید مورد توجه قرار بگیرد تقویت رابطه عاطفی با امام است.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۱۵

حدیثی که در آغاز سخن از امام صادق علیه السلام بیان شد ناظر به همین مسئله است. استراتژیست‌های بزرگ دنیا از دیرباز در مورد بهترین شیوه‌های حفظ حاکمیت، مباحث و نظریاتی داشتند. سلطه بر آب و خاک یا سلطه هوایی و برتری تسلیحاتی و ... نمونه‌هایی از این نظریات است. اما اسلام به ما آموخته است که مهمتر از همه‌ی این موارد، سلطه بر قلب‌ها است. اگر انسان‌ها از روی عاطفه جذب یکدیگر شوند، پیوندشان ناگسستنی می‌شود. حاصل این جذب‌های عاطفی، اقتدای به محبوب است که در کلام امام صادق علیه السلام دیده می‌شود. اگر رابطه‌ی عاطفی ما و اهل بیت علیهم السلام تقویت شود، اقتدا و تأسی هم به دنبال آن خواهد آمد. این تأسی، به همراهی و هم‌رنگی با اهل بیت علیهم السلام منجر می‌شود که مواردی از آن را امام صادق علیه السلام بیان می‌فرماید.

طبق بیان حضرت، خداوند تبارک و تعالی دوستی، محبت و ولایت ایشان را بر مردم واجب کرده است که به دنبال آن اطاعت آن‌ها نیز بر شیعیان واجب است و هر کسی که خودش را از ایشان بداند باید به این انوار مقدس اقتدا کند.

هر کس که ادعای دوستی امام زمان علیه السلام را دارد باید در رفتار و زندگی فردی و اجتماعی خودش به گونه‌ای حرکت کند که معلوم باشد مقتدایش امام زمان علیه السلام است.

نکاتی که امام صادق علیه السلام بیان می‌فرمایند، عبارتند از: پارسایی از گناه، اجتهاد و روحیه تلاش و کوشش و امانت‌داری نسبت به همه‌ی انسان‌ها.

بنابر آنچه از روایت امام صادق علیه السلام فهمیده می‌شود، یکی از وظایف هر منتظری، دوست داشتن امام زمان علیه السلام است و این دوستی را باید ابراز کند. ادعیه و زیارتنامه‌هایی که برای ایشان می‌خوانیم، بیان یک نوع ارادت و دوستی به محضر مبارک آن حضرت است.

محبت، جواب محبت

در این روایت، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند خدا محبت ما را بر مؤمنین واجب کرده است. سؤال این است که اصلاً چرا ما باید ائمه علیهم السلام را دوست بداریم؟ چرا محبت این انوار مقدس واجب است؟ محبت، یک رابطه‌ی دو سویه است؛ یعنی اگر کسی ما را دوست دارد، ما هم متقابلاً باید به او محبت کنیم این منطبق قرآن است که:

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾^۱

آیا پاداش نیکی به جز نیکی است؟

در نظام خلقت مهربان‌ترین انسان‌ها رهبران الهی بوده‌اند. محبت انبیا و اولیا همواره نه تنها انسان‌ها بلکه شامل حال همه‌ی مخلوقات خدا بوده است. برجسته‌ترین اسوه‌ی رأفت و مهربانی، رسول خدا ﷺ است و پس از ایشان زمین مهربان‌تر از ائمه معصومین علیهم‌السلام، به خود ندیده است. در عصر غیبت نیز اسوه و الگو و شاخص مهربانی نسبت به عموم انسان‌ها، وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل‌الله‌فرجه است. در حکایات تشریف بزرگان به محضر حضرت بسیار بیان شده که وقتی بر امام وارد می‌شدند، ایشان در حال دعا برای عموم انسان‌ها و خصوصاً شیعیان بوده‌اند. آیا سزاوار نیست که ما به یاد امامی باشیم که همواره به یاد ماست؟!!

رابطه انسان‌ها براساس میزان محبتی که نسبت به هم دارند تعریف می‌شود؛ این پرسش را باید از خود پرسیم که آیا روا نیست امامی که ما را بیش از خودمان دوست می‌دارد را، بیش‌تر از خود دوست بداریم؟

در پرتو این محبت زایدالوصف امام به شیعیان، ولایت شکل می‌گیرد. و بعد از آن انسان می‌تواند مدعی شود که وارد دایره‌ی دین شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالأمر خویش فرمان برید.

این اطاعت، انسان‌ها را به ساحل نجات و سرمنزل مقصود خواهد رساند. قسمت نخست حدیث، اشاره به دوستی و محبت امام به عنوان یک اصل در زندگی دارد و در آن حوزه‌ی عاطفه ما نسبت به امام تعریف می‌شود. قسمت دوم را به نوعی می‌توان به منزله‌ی جواب شرط دانست؛ به این معنا که، هر کسی که به اهل بیت علاقه‌مند است و آن‌ها را دوست می‌دارد باید به ایشان تاسی و اقتدا کند؛ زیرا واضح است که ابراز محبت بدون تبعیت از فرامین امام معصوم، ادعای گزافی بیش نیست.

این محبت باید شکل جامع‌تری به خود بگیرد و سیمای تکامل یافته‌ی خود را نشان بدهد. یک بُعد محبت، به زبان آوردن آن است که در گفتار انسان ظهور می‌کند. شکل دیگر محبت، محبت قلبی است. اما کامل‌ترین شکل محبت آن است که در رفتار انسان متجلی شود؛ یعنی ما باید در رفتار عشق به محبوب را نشان بدهیم.

محبت رفتاری یعنی آن که کاری نکنیم که خاطر ایشان را آزرده کند. اگر انسانی به پدر و مادر و یا عزیزان اظهار محبت کند باید در سلوکش، محبت دیده شود. کسی که با بیان خود اظهار دوستی کند اما در عمل، خاطر محبوب را نگران کند نمی‌تواند صادق باشد.

این قاعده در بندگی خدا هم جاری است. بنده‌ای که نماز می‌خواند و عبادت الهی را انجام می‌دهد اما در عمل کارهایی از او مشاهده می‌شود که خداوند نمی‌پسندد و راضی نیست. محبتش کامل نیست.

امام صادق علیه السلام در قسمت پایانی حدیث شکل کامل محبت را این گونه بیان می‌فرماید که هر کسی ما را دوست می‌دارد باید از ما پیروی کند و شئونی که ما برای خود برگزیده‌ایم را در جان خویش بارور سازد.

اولین شأن، ورع است. ما رهبران الهی نافرمانی خدا را نمی‌کنیم و هر کسی که ادعا می‌کند ما را دوست می‌دارد باید ورع داشته باشد.

شأن دوم، اجتهاد است. ائمه علیهم السلام مظهر تلاش و کوشش و فعالیت بوده‌اند. کسانی که ائمه را دوست می‌دارند، باید انسان‌هایی تلاشگر و فعال باشند. خدا از هر کسی در حد توانش تلاش می‌خواهد؛ به همین دلیل در قرآن می‌فرماید:

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾^۱

خداوند از هر کس در حد وسعش انتظار دارد.

هر انسانی در حد وسع و بضاعتی که دارد باید تلاش کند تا در مسیر بندگی خداوند از امکاناتی مانند ثروت، علم، آبرو، قدرت،

قلم و ... که در اختیار دارد بهره ببرد.

سومین منزلتی که ائمه برای خود قائل هستند امانت‌داری است. به تعبیر امام صادق علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام مظهر امانت‌داری هستند؛ چه صاحب امانت نیکوکار و چه کافر باشد. کسانی که دوستدار اهل بیت علیهم السلام هستند هم نباید خائن در امانت باشند.

توجه به این نکته ضروری است که دو دسته امانت می‌توان تصور کرد؛ امانت مادی و امانت معنوی. امانت مادی همین اشیایی است که گاهی اوقات در اختیار ما قرار می‌گیرد؛ منزل، وسیله‌ی نقلیه و ... که گاه شکل مالکیت به خود می‌گیرد و ما چنین می‌پنداریم که این اموال از آن ماست. این اموال در واقع امانت‌هایی است که چند صباحی در دست ماست و بعد هم باید آن را به دیگران بسپاریم و برویم.

امانت‌های معنوی مانند قرآن، نماز، ولایت، فرزندان و عمری که خداوند به هر یک از ما داده است. کسانی که در حفظ امانت معنوی موفق هستند در امانت‌های مادی هم امین هستند و خیانت نمی‌کنند.

گفتار نهم: محبت ریشه‌دار

یکی دیگر از بایسته‌های عصر انتظار، پایداری در محبت اهل بیت علیهم‌السلام است؛ یعنی شیعیان باید تلاش کنند که این محبت، تداوم داشته باشد. برخی از مردم به وجود مقدس امام زمان علیه‌السلام ارادت دارند اما این ارادت در قرائت دعای ندبه، زیارت آل یاسین یا دعای عهد خلاصه می‌شود و در بعضی از مناسبت‌ها و اتفاقات، این پایداری کمرنگ می‌شود.

برای تثبیت این محبت، باید موانع آن را از پیش‌رو برداشت؛ ممکن است انسانی به مرتبه‌ای برسد که امین امام معصوم بشود اما چون در تربیت نفس خود دقت لازم نداشته، در هنگامه‌ی سرنوشت‌ساز زندگی، مسیر خود را از امام جدا کند. حب دنیا، ریاست‌طلبی، شهرت‌طلبی و پیروی از شهوات و تمایلات نفسانی، از آن نمونه است. یکی از کسانی که پایش در محبت امام لغزید «علی بن ابی حمزه بطائنی» است. وی از ارادتمندان خاص موسی بن جعفر علیه‌السلام و از کسانی بود که امین ولایت به شمار می‌رفت؛

به همین دلیل وجوهای چشم‌گیری در اختیار او بود. اما زمانی که امام هفتم علیه السلام به شهادت رسیدند، او به طمع تصاحب آن اموال، از اوامر امام رضا علیه السلام تمرد کرد و اماناتی که نزد او بود را به بهانه این که امام صادق علیه السلام وصیتی به امامت حضرت رضا علیه السلام نکرده‌اند، به ایشان نداد؛ لذا علاوه بر تلاش، همواره باید دعا کنیم که خداوند توفیق پایداری در مسیر محبت اهل‌بیت علیهم السلام را به ما عطا فرماید.

در روایتی مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ، فَإِنْ كَبِدُوا فَالْبُدُوا، وَإِنْ اسْتَصْرَحُواكُمْ فَانصُرُوهُمْ... إِنَّ اللَّهَ يُفْرِّجُ الْفِتْنَ بِرَجُلٍ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»^۱

نگاه شما به خاندان پیامبر و اهل‌بیت علیهم السلام ایشان باشد و اگر آن‌ها ساکت شدند و در خانه نشستند شما هم سکوت اختیار کنید و در خانه بنشینید و اگر اهل‌بیت پیامبر از شما یاری و کمک خواستند، آن‌ها را یاری کنید. همانا خداوند گشایش ابتلائات شما را به دست مردی از ما اهل‌بیت سپرده است.

محبت پایدار ما را به سمت اطاعت محض از فرامین اهل‌بیت علیهم السلام - که تنها راه نجات است - سوق می‌دهد. به دستور امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۳۶۸، باب ۲۳

باید مشی ما این گونه باشد که اگر ائمه علیهم‌السلام سکوت کردند و در خانه نشستند، ما هم به تبعیت سکوت کنیم و اگر قیام کردند ما هم باید همراهی نماییم. یاری اهل بیت علیهم‌السلام سبب گشایش امور ما خواهد شد؛ پس اگر بگوییم این محبت و پایداری خود گشایشی برای مسلمانان است، سخنی به گزاف نرانیم.

در رأس محبت به ائمه هدی علیهم‌السلام، محبت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام جایگاه ویژه‌ای دارد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد اهمیت محبت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند:

«يَا عَلِيُّ! مَا مَثَلُكَ فِي النَّاسِ إِلَّا كَمَثَلِ قُلُوبِ اللَّهِ أَحَدٌ فِي الْقُرْآنِ»^۱
یا علی! مثل و جایگاه تو در امت اسلام مثل جایگاه سوره توحید در قرآن است.

یکی از ویژگی‌های سوره توحید این است که یک مرتبه قرائت آن برابر با ثواب تلاوت یک سوم قرآن است و کسی که سه مرتبه این سوره را تلاوت کند ثواب ختم قرآن را به او می‌دهند.

خلاصه‌ی سخن آن که پایداری در محبت امام زمان علیه‌السلام از بایسته‌های عصر انتظار و وظایف عامی است که بر عهده‌ی همه‌ی

۱. کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۹۷

شیعیان است. اهمیت جایگاه محبت و پایداری در آن رامی توان در روایت پیامبر مشاهده کرد. حضرت فرمودند:

«يَا عَلِيُّ! مَنْ أَحَبَّ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أَحَبَّ تُلَّتْ الْإِسْلَامَ، وَ مَنْ أَحَبَّ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَقَدْ أَحَبَّ تُلَّتِي الْإِسْلَامَ، وَ مَنْ أَحَبَّ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدَيْهِ فَقَدْ أَحَبَّ الْإِسْلَامَ كُلَّهُ، وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَحَبَّكَ أَهْلُ الْأَرْضِ كَحُبِّ أَهْلِ السَّمَاءِ لَمَا عَذَّبَ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالنَّارِ»^۱

یا علی! هر کس تو را به زبان دوست داشته باشد یک سوم اسلام را دوست داشته و هر کس تو را به لسان و قلب دوست داشته باشد دو سوم اسلام و هر کس تو را به زبان و قلب و عمل را دوست داشته باشد همانا همه‌ی اسلام را دوست داشته است. قسم به کسی که مرا به حق مبعوث کرد اگر اهل زمین تو را مانند اهل آسمان دوست داشتند، احدی از مردم به آتش، عذاب نمی‌شد.

این فرمایش نبی گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از یک سو بشارت است و از سوی دیگر انذار. بشارت به این که محبت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام دروازه‌ی سعادت را به روی انسان می‌گشاید و انذار به این که این مرحله فقط بخشی از مسیر است و برای بقیه‌ی آن باید تلاش کرد.

۱. کشف الیقین، ج ۱، ص ۲۹۷

بخشی از مردم ارادتشان به ائمه علیهم‌السلام از حد زبان تجاوز نمی‌کند اما در روش زندگی راهشان با اهل بیت علیهم‌السلام یکی نیست.

بیش از بیست هزار امضای دعوت از کوفه به سیدالشهدا علیه‌السلام رسید که همه با زبان «یا حسین» می‌گفتند اما از این میان فقط ۷۲ نفر باقی ماندند؛ لذا ما با محبت لسانی، در حقیقت تنها یک سوم راه را رفته‌ایم.

حضرت در ادامه‌ی این حدیث فرمودند کسی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام را با زبان و قلبش دوست بدارد دو سوم ایمان کامل است. اما همچنان باید توجه داشت که ایمان چنین فردی هم هنوز تکمیل نشده است. سپس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بشارت دادند که اگر کسی علی علیه‌السلام را با زبان و قلب دوست بدارد و در رفتار و عملکرد هم ایشان را یاری کند حقیقت ایمان در کامل می‌شود.

برای کسب محبت پایدار باید این سه مرحله را طی کرد.

محبت پایدار، معجونی است از سه مرتبه‌ی زبانی، قلبی و عملی. اگر دعای ندبه، زیارت آل یاسین و دعای عهد را زمزمه می‌کنیم و قلباً هم امام زمان علیه‌السلام را دوست داریم باید در رفتارهایمان همین محبت را نشان بدهیم. اگر چنین شد در شب عروسی فرزندانمان یا در مسافرت‌های خارج از کشور و محافل خصوصی و خانوادگی یا دوستانه، فراموش نمی‌کنیم که امام زمان علیه‌السلام بر گفتار و کردار ما حاضر و ناظر است و مراقب عملکرد خود هستیم.

گفتار دهم: عوامل جلب محبت امام علیه السلام

از عوامل جلب محبت - که تکمیل کننده‌ی مباحث قبل است - صدقه به نیت سلامتی امام زمان علیه السلام است که در روایات ما هم تأکید فراوانی بر آن شده است. در فرهنگ دینی ما صدقه دادن به عنوان عامل دفع بلا یا معرفی شده و برکات عظیمی دارد.^۱ در روایات آثار فراوانی برای صدقه ذکر شده است از جمله آن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْصَّدَقَةُ تَدْفَعُ الْبَلَاءَ»^۲: صدقه، بلا را دفع می‌کند». همچنین بر پنهانی بودن آن هم تأکید شده است. از دیگر برکات صدقه آن است که مرگ سخت و ناگهانی را مرتفع می‌کند. نزول رزق، برکت دیگر صدقه است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند:

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۳.

«وَاسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ»^۱

با صدقه دادن رزق خود را [از آسمان] به پایین بکشید.

همچنین سفارش شده که با صدقه، بیماری‌ها را درمان کنید. شخصی از رسول خدا ﷺ سؤال کرد که من دوست دارم بیمار نشوم حضرت در پاسخ فرمودند: «فَأَكْثِرِ مِنَ الصَّدَقَةِ؛ صدقه فراوان بده».

ما پیرو شخصیت‌هایی هستیم که در رسیدگی به امر ضعفا و فقرا اسوه و زبازد بوده اند و نسبت به مسائل مسلمین بی تفاوت نبودند. قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مهم پیامبر ﷺ را دلسوزی ایشان بیان می‌کند: ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ﴾^۳

مسائل و مشکلاتی که بر مردم رقم می‌خورد بر پیغمبر گرامی اسلام ﷺ سخت و دشوار بود. مشکلات جامعه اعم از مشکلات اقتصادی و اخلاقی برای ایشان گران تمام می‌شد. ایشان نمی‌توانستند ببینند که مسلمان‌ها در فقر فرهنگی و اقتصادی قرار دارند. قطعاً کسانی که منتظر امام غایب هستند - که از نسل چنین پیغمبر دلسوزی است - باید در دستگیری از ضعفا و نیازمندان تلاش کنند.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵

۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴

۳. توبه: ۱۲۸

بنابراین کسی می‌تواند منتظر امام زمان علیه السلام باشد که در رسیدگی به امور نیازمندان بی تفاوت نباشد. در شرایطی که افراد نیازمند در فشار و سختی بیش‌تری هستند مسئولیت سنگین‌تری متوجه همه‌ی ماست. قرآن کریم انفاق آشکارا و پنهانی را از صفات مؤمنان معرفی می‌کند.

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾^۱

همان‌ها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند؛

دستگیری از مستمندان یک تکلیف کلی همگانی است. مؤمنان نباید نسبت به یکدیگر بی تفاوت باشند. یاران و منتظران حقیقی امام زمان علیه السلام کسانی هستند که به یاد فقرا و ضعفای جامعه هستند. آن‌ها با تاسی به امیر مؤمنان علیه السلام که نیمه‌های شب، کیسه‌های آرد و خرما را بین فقرا توزیع می‌کردند، به روش‌های آبرومندانه به یاری مستمندان می‌شتابند.

این سیره‌ی رهبران الهی است که حتی نسبت به دشمنان خودشان هم اهل دستگیری بودند. در تاریخ آمده که وقتی سیدالشهداء علیه السلام در منزلگاه «شراف» با حُر، روبرو شدند اگر امام حسین علیه السلام به آن‌ها آب نمی‌دادند همه از تشنگی تلف شده بودند.

هزار سرباز راه گم کرده‌ی تشنه به امر امام سیراب شدند و حتی بعد از آن دستور دادند که به مرکب‌های آن‌ها هم آب دهند.

مطایری می‌گوید:

من آخرین سرباز حر بودم که به منزلگاه شراف رسیدم. از شدت تشنگی روی زمین افتاده بودم و حتی قدرت نوشیدن آب هم نداشتم. دهانه مشک را گرفته بودم اما از شدت عطش نمی‌توانستم آن را کنترل کنم. در همین لحظات آقایی بالای سر من آمد و مشک را بلند کرد و گفت: من می‌ریزم و تو بنوش. آهسته آهسته آب را ریخت و من نوشیدم. ابتدا تصور کردم که یکی از همزمانم در نوشیدن آب به من کمک کرده است اما وقتی سرم را بلند کردم حسین بن علی علیه السلام را بالای سر خود دیدم.

صدقه دادن برای سلامتی امام زمان علیه السلام یک عبادت مضاعف است؛ چرا که گویا دو عبادت در یک عمل واحد جمع شده است. عزیزترین فرد عالم امام عصر علیه السلام است و ما نسبت به ایشان مسئولیت داریم. همان‌طور که برای خود صدقه می‌دهیم بسیار به جاست که بخشی از صدقاتمان را به نیت سلامتی امام زمان علیه السلام پردازیم. ایشان در توقیع شریفی می‌فرمایند:

«فَإِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ»^۱

علم ما بر احوال شما احاطه دارد.

ما بر همه‌ی کارهای شما واقف هستیم و چیزی از اعمال شما بر ما پوشیده نیست؛ بنابراین اظهار ارادت ما به محضر حضرت، عرضه می‌شود و قطعاً ایجاد محبت می‌کند.

یکی دیگر از راه‌های ایجاد ارتباط عاطفی با حضرت بقیةالله‌الاعظم علیه السلام، تمسک و توسل به ادعیه و زیارات مهدوی است. انس با ادعیه مثل دعای عهد، زیارت آل یاسین، دعای فرج، دعا برای سلامتی حضرت، ذکر صلوات با عبارت «وَعَجَّلْ فَرَجَهُم»، انس و الفت ما را با امام زمان علیه السلام زیاد می‌کند.

از عوامل جلب محبت امام زمان علیه السلام زیارت امام حسین علیه السلام و گریه برای سیدالشهدا علیه السلام است که ما را قطعاً مشمول محبت و لطف الهی و وجود مقدس امام زمان علیه السلام خواهد کرد. حضرت ولی عصر علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه می‌فرماید:

«فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً، وَ لَا بُكَيْنٌ عَلَيْكَ بَدَلِ الدُّمُوعِ دَمًا»^۲

[ای جد بزرگوار!] من هر صبح و شام در مصیبت شما ندبه

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۳۸

می‌کنم و اگر اشک دیدگان من خشکیده شود در عزای شما به جای اشک خون گریه می‌کنم.

گفتیم که در قرار عاشقی، عاشق و معشوق یک‌رنگ می‌شوند. وقتی امام زمان علیه السلام با این توصیف برای مصیبت سیدالشهداء علیه السلام اشک می‌ریزند برای دلدادگانی که در عزای جد غریبش حسین علیه السلام اشک بریزند هم ارزش قائل می‌شوند؛ لذا زیارت امام حسین علیه السلام و مداومت بر گریه برای ایشان سبب ایجاد محبت می‌شود.

یکی دیگر از عواملی که در جلب محبت امام زمان علیه السلام مؤثر است نامگذاری فرزندان به نام ایشان و سایر اهل بیت است. در واقع ما با این نامگذاری، ارادت قلبی خود را به آستان اهل بیت علیهم السلام اثبات می‌کنیم که خود ایجاد محبت می‌کند. روایات فراوانی در بحث نامگذاری از ائمه به ما رسیده است که چند نمونه آن را ذکر می‌کنیم. شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد ما نام شما و نام پدران شما را برای خود و فرزندانمان انتخاب می‌کنیم. آیا این کار مفید است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند آری مفید است؛

«هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ»^۱

آیا دین، جز محبت [برای خدا] چیز دیگری هست؟

عصاره دین، محبت است. در یک جمله می توان گفت دین یعنی مجموعه‌ای از دستورات که ما را به سوی محبت سوق خواهد داد؛ چه محبت نسبت به یکدیگر و چه محبت نسبت به خود که البته در راستای رضایت پروردگار باشد.

در روایت دیگری حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمایند: خانه‌ای که در آن نام محمد باشد هر صبح و شام از اهل خانه به خیر و نیکی یاد خواهد شد؛ خانه‌ای که در آن نام محمد باشد صبح و شام ملائکه در ملکوت اعلی از اهل خانه به نیکی یاد می کنند؛ چرا که همین اسم هنگامی که بر زبان اهل منزل جاری می شود خانه را محل نزول برکت می کند.

یکی از وظایفی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره فرموده- اند آن است که اولیا، خصوصاً پدرها، برای فرزندانشان نام نیک برگزینند. اسامی که برگرفته از اولیا باشد، بذر محبت ایشان را در دل صاحب نام می نشاند؛ که اگر علاقه‌ای نبود این نام انتخاب نمی شد.

۱. المحمدی الری شهری، الشیخ محمد، منتخب حکم النبى الأظیم صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۱، ص ۲۶۷؛

ابن ابی الحدید، فخرالدین ابو حامد عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۳۶۶

گفتار یازدهم: کردار نیک، همنشینی با امام علیه السلام

قال الصادق علیه السلام:

«مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَتَنَطَّرْ وَيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ
مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُتَنَطِّرٌ»^۱

کسی که مایل است جزو یاران حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرد،
باید منتظر باشد و اعمال و رفتارش در حال انتظار با تقوا و
اخلاق نیکو توأم شود.

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُتَنَطِّرًا لَهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي
فُسْطَاطِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۲

هر کس از شما به اعتقاد به این امر بمیرد در حالی که منتظر آن
باشد، مانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام باشد.

در وظایف فردی منتظران به عوامل جلب محبت امام زمان علیه السلام

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، صفحه ۱۴۰

۲. همان، صفحه ۱۲۵

رسیدیم. یکی از عوامل جلب محبت، پاکی و پاکدامنی بود که در احادیث گذشته به آن اشاره شد. عامل دیگر جلب محبت، اخلاق شایسته است. روایت شریفی از امام صادق علیه السلام نقل شده که دو ویژگی را برای اصحاب امام زمان علیه السلام بیان می‌کند. امام صادق علیه السلام انتظار توأم با ورع و اخلاق نیکو را به عنوان خصلت یاران امام زمان علیه السلام معرفی می‌کنند. آنگاه در روایت دیگری می‌فرمایند اگر کسی با این دو ویژگی زندگی کرد و از دنیا رفت، مثل این است که در خیمه‌ی امام زمان علیه السلام کنار حضرت نشسته و حضور ایشان را درک کرده است.

از این حدیث شریف استفاده می‌شود که از عوامل جلب محبت، داشتن اخلاق شایسته است؛ زیرا امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرمایند:

«ثَلَاثٌ يُوجِبْنَ الْمَحَبَّةَ، حُسْنُ الْخُلُقِ، وَ حُسْنُ الرَّفْقِ وَ التَّوَضُّعُ»^۱

سه چیز باعث محبت می‌شود، خوش خلقی و ملایمت نیکو و فروتنی.

سه چیز است که جلب محبت می‌کند؛ یکی از آن سه، اخلاق شایسته است. مردم، انسان‌های خوش اخلاق را دوست می‌دارند.

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۵

افرادی که در برخورد با دیگران، ادب و نزاکت را رعایت می‌کنند و با رویی گشاده و ادبیات سالم و احترام سخن می‌گویند، محبوب هستند و مردم از این اخلاق، اظهار مسرت و دوستی می‌کنند.

دومین عامل جلب محبت از نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام «حسن الرفق» یعنی مدارا کردن با مردم است. به قول جناب حافظ:

آسایش دو گیتی، تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروّت، با دشمنان، مدارا^۱

رفق و مهربانی و رفتار پسندیده‌ی آمیخته با مدارا، ایجاد محبت می‌کند.

سومین عامل جلب محبت، تواضع و فروتنی است. انسان‌های فروتن از فخرفروشی و تحمیل بار زندگی خود را بر دوش مردم پرهیز می‌کنند؛ به همین دلیل مردم معمولاً از همنشینی با افراد متواضع و فروتن اظهار شادمانی می‌کنند. در مقابل، مردم از افراد متکبر نفرت دارند. تکبر آن‌چنان باعث دور شدن افراد از اطراف انسان می‌شود که حتی خانواده‌ی فرد متکبر هم از او بیزارند. تکبر باعث می‌شود که دل‌ها از انسان فاصله بگیرد و نفرت ایجاد شود. اما انسان‌های متواضع، حتی در غربت هم بر دل‌های دیگران حکومت

می‌کنند. به همین دلیل، اولیا الهی ما را به سوی اخلاق پسندیده، رفتار شایسته و تواضع سوق داده‌اند. اگر تواضع را مهمترین خصلت اولیای الهی بدانیم سخنی به گزاف نگفته‌ایم؛ به همین علت امام علی علیه السلام می‌فرماید یکی از چیزهایی که جز پروردگار کسی از آن اطلاع ندارد، اولیای الهی هستند. خداوند اولیانش را بین مردم پنهان کرده است. حضرت می‌فرمایند به هیچ کس به دیده‌ی حقارت نگاه نکنید؛ چه بسا آن کسی که شما به دیده‌ی حقارت و پستی به او می‌نگرید، ولی خدا باشد و شما بی‌خبر هستید؛ لذا با همه انسان‌ها با تواضع برخورد کنید.

کس چه داند تا در این بحر عمیق سنگ‌ریزه قدر دارد یا عقیق^۱ چه بسا یک کارگر ساده یا یک فرد بی‌سواد و فقیر که از نظر ما جایگاهی ندارد نزد پروردگار عالمیان، جایگاه بالایی داشته باشد. همین صفات ارزشمند اخلاقی برای ما نزد امام زمان علیه السلام ایجاد محبت می‌کند. امام زمان علیه السلام قطعاً کسانی را که اخلاق شایسته دارند دوست می‌دارند؛ چرا که خود حضرت اسوه اخلاق، مهربانی و تواضع است. در سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که اگر غریبه‌ای وارد

۱. عطار، منطق‌الطیر، فی التوحید باری تعالی جلّ و علی

مسجد ایشان می شد نمی توانست حضرت را از سایرین تشخیص دهد و یا در احوال ائمه بسیار دیده ایم که در میان مردم با نهایت فروتنی خدمت می کردند.

امام سجاد علیه السلام با کاروان اهل شام به حج مشرف شدند و در طول سفر به ایشان خدمت می کردند. شامیان هم امام سجاد علیه السلام را نمی شناختند و از اینکه کسی به آن ها خدمت می کند احساس شادمانی می کردند. ناگهان یکی از بزرگان شامی امام سجاد علیه السلام را شناخت و به اهل کاروان گفت: می دانید این آقا که کمر به خدمت شما بسته کیست؟ کاروانیان اظهار بی اطلاعی کردند. پیرمرد گفت: این شخص علی بن الحسین از نوادگان رسول خدا صلی الله علیه و آله است. شما دارید خود را شرمنده پیغمبر صلی الله علیه و آله می کنید. نوهی پیغمبر صلی الله علیه و آله همچون غلامی، به شما خدمت می کند و برای شما آب و غذا می آورد و کارهای شما را انجام می دهد!

کاروانیان خدمت حضرت رسیده و عذرخواهی کردند. امام سجاد علیه السلام فرمودند من دوست داشتم به زائران خانه ی خدا خدمت کنم. چون در کاروان، اهل حجاز مرا می شناختند اجازه ی این کار را به من نمی دادند. به ناچار به کاروان اهل شام ملحق شدم که کسی مرا

نشاسد و بتوانم به صورت گمنام به زائران خانه‌ی خدا کمک کنم.^۱
 سیره‌ی اولیاء الهی چنین بوده و قطعاً امام زمان علیه السلام نیز انسان‌هایی
 را که متواضعانه و با اخلاق و فروتنی به مردم و جامعه خدمت
 می‌کنند دوست می‌دارند.

از عوامل دیگری که محبت حضرت را به سمت ما جلب می‌کند
 رعایت احترام و ادب در برابر امام است. ما موظفیم در برابر امام
 زمان علیه السلام ادب داشته باشیم. وقتی نام رهبران دینی را می‌بریم از
 ایشان با ادب یاد کنیم. حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ»^۲

هیچ ارث و میراثی بهتر از ادب نیست.

حرّبن یزید ریاحی اولین کسی بود که راه را بر امام بست اما
 سرانجام از خیل دوزخیان به جمع بهشتیان پیوست. علت این
 سعادت‌مندی، ادب حر بود؛ چرا که وقتی سیدالشهداء علیه السلام به او
 فرمودند «مادرت به عزایت بنشیند»^۳ لجام بر زبان خود زد و جسارتی

۱. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، المناقب آل‌ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۱

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۴

۳. الازدی، أبو مخنف، وقعة الطّف، ج ۱، ص ۱۷۱

به حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام روا نداشت.

دیگر عامل جلب محبت، هدیه دادن به حضرت است. هدیه دادن، هر مقدار هم که اندک باشد موجب تالیف قلوب می‌شود. هر چند شخص هدیه گیرنده به آن نیازی نداشته باشد. امام زمان علیه السلام هم نیازی به هدیه ما ندارند اما نفس این عمل و انجام کار خیر به یاد حضرت، موجب مسرت و شادی ایشان می‌شود.

ما با اهداء هدیه به امام زمان علیه السلام محبت و ارادت خود را بیان می‌کنیم و در صدد آنیم که حضور قلب خود را به ایشان اثبات کنیم. بنا به صریح قرآن این قاعده حتی در رابطه‌ی بنده و خداوند هم جریان دارد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَآشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾^۱

یادم نمایید تا یادتان کنم و شکرگزاری کرده و کفر نورزید.

همان‌طور که اگر به یاد خدا باشیم خداوند هم امدادش را شامل حال ما قرار خواهد داد اگر به یاد ولی خدا هم باشیم و برای حضرت قدمی برداریم قطعاً عنایات خاص ایشان شامل حال ما خواهد شد.

گفتار دوازدهم: دعای فرج؛ گشایشِ امور

قال المهدی علیه السلام:

«أَكْثَرُوَا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۱

برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید که گشایش امر شما در آن است.

بیان شد که در حوزه‌ی وظایف فردی منتظران، محبت به امام از جمله وظایف مهم شیعیان است.

یکی از اعمالی که درباره ابراز محبت به محضر حضرت بسیار توصیه شده است دعا برای فرج حضرت و تعجیل در ظهور ایشان می‌باشد. این عمل، ضمن این که به خودی خود یک ابراز محبت است باعث می‌شود که یاد امام زمان علیه السلام همواره در دل ما زنده بماند و فراموش نکنیم که باید زمینه را برای ظهور منجی عدالت-

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵

گستر فراهم کنیم تا خداوند توفیق درک حضورش را به ما عنایت کند.

روایتی که در بالا بیان شد، از جلد دوم کتاب کمال‌الدین است که حاوی فرمایشات و توقیعات شریف امام عصر علیه السلام است. حضرت می‌فرماید: برای تعجیل فرج من زیاد دعا کنید؛ چرا که گشایش کار شما در آن است.

در تحلیل این جمله می‌توان گفت دعا برای ظهور حضرت چنانچه به هدف اجابت برسد باعث گشایش در امور می‌شود ولی می‌توان به گونه‌ی دیگری هم این جمله را تفسیر کرد؛ یعنی دعاگویی برای فرج حضرت به خودی خود نیز گشایش و فرج به همراه دارد.

خلاصه سخن آن که اگر ما به یاد امام زمان علیه السلام باشیم قطعاً ایشان هم به یاد ما خواهند بود.

گفت پیغمبر که چون کوبی دری عاقبت زان در برون آید سری
چون نشینی بر سر کوی کسی عاقبت بینی تو هم روی کسی^۱
به طور عادی هر انسانی که به یاد کسی باشد آن قدر می‌گردد

۱. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم

تا سرانجام او را بیابد. در مورد امام زمان علیه السلام نیز چنین است. قطعاً کسی که به یاد امام زمان علیه السلام است و ایشان را یاد می‌کند و فرج حضرت را از خدا می‌طلبد مورد عنایت حضرت بقیه الله علیه السلام قرار خواهد گرفت و ایشان هم دعاگوی او خواهند بود. چه افتخاری بالاتر از آن که امام زمان علیه السلام برای کسی دعا بکنند. اگر دعای خیر حضرت بدرقه‌ی زندگی انسانی بشود سعادتش تضمین شده است؛ زیرا از جمله دعاهاى مستجاب، دعای امام زمان علیه السلام در حق شیعیان خود و انسان‌هایی که دعایی برای فرج می‌کنند است.

نکته‌ی اول این حدیث شریف این بود که اگر ما برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام دعا کنیم متقابلاً مشمول دعای مستجاب ایشان قرار خواهیم گرفت و الطاف ایشان مایه برکت زندگیمان می‌شود.

نکته‌ی دیگر نهفته در این حدیث آن است که اگر ما برای تعجیل فرج دعا کنیم و خداوند آن را رقم زند و به دعای ما جامه‌ی عمل ببوشاند، چه سعادتى از این بالاتر و بهتر و چه فرجى از این بیش تر که ما در دورانی زندگی کنیم که عدالت حاکم است؟ ظلم رخت بر بسته و فقر و تباهی و گناه دیگر وجود ندارد. آن روز انسان‌ها در یک آرامش و آسایش وصف ناشدنی به سر می‌برند.

شرایط فعلی، گاه انسان‌های متدین، متعهد و دلسوز را که شاهد مشکلات جامعه هستند و آزرده‌خاطر می‌کند که البته به جاست. در

دولت امام عصر علیه السلام، این وضعیت رخت برمی‌بندد. همه در یک محیط ایده‌آل از زندگی لذت می‌برند و انسان‌ها از خوشی و سعادت یک‌دیگر شادمان می‌شوند.

از برکت فرج امام عصر علیه السلام مردم در صلح و صفا و صمیمیت و مهربانی نسبت به یکدیگر زندگی می‌کنند؛ لذا دعای برای فرج امام عصر علیه السلام از جمله اعمالی است که در بحث تحکیم رابطه‌ی عاطفی با امام به آن توصیه شده است

یکی دیگر از برکات دعای فرج، تکریم و بزرگداشت نام امام زمان علیه السلام است. بر اثر مداومت به دعای فرج، بین ما و امام تعلق خاطر و محبتی برقرار می‌شود که دلدادگان را شیفته‌ی تعظیم شعائر مهدوی می‌کند و دوستان حضرت در تمام مناسبت‌هایی که به ایشان ارتباط دارد با برپایی مراسم، آذین‌بندی، اطعام و اکرام سایر مؤمنین محبت قلبی خود را به ایشان ابراز می‌دارند.

از جمله راه‌های تقویت پیوند شیعیان با امام، مداومت بر ادعیه و زیارت‌نامه‌هایی است که در مورد آن حضرت وارد شده است که دعای فرج، زیارت آل یاسین، دعای ندبه از آن جمله است.

گفتار سیزدهم: تحمل رنج‌های عصر غیبت

یکی دیگر از اموری که باید شیعیان منتظر در عصر غیبت به آن توجه داشته باشند صبر بر سختی‌ها و ناملایماتی است که در دوران غیبت با آن مواجه هستند.

در قرآن کریم صبر به عنوان یکی از ویژگی‌های ارزشمند مورد سفارش واقع شده است.

﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾.

سوگند به عصر و زمان، همانا انسان در ضرر و زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.

به تعبیر قرآن، مؤمنین علاوه بر آنکه خود صبور هستند یکدیگر را هم به بردباری، شکیبایی و صبوری در زندگی سفارش می‌کنند.

روزگار غیبت، روزگاری پر از محنت و رنج برای پیروان امام زمان عجل الله فرجه است. به دلیل فقدان امام در بین ما، مسائل و مشکلاتی در

جامعه اتفاق می‌افتد و حتی گاهی اوقات یاران امام زمان علیه السلام شماتت می‌شوند. بدخواهان و کج اندیشان، ایشان را مسخره می‌کنند که اگر امامی داشتید در بین شما حاضر بود. بردباری در فرهنگ دینی، جایگاه ویژه‌ای دارد. در روایات ما دستورالعملی برای صبر تدوین شده که به طور کلی ما را به صبر در سه مقطع دعوت می‌کند؛ اولین مقطع، صبر در برابر مصیبت است که معمولاً وقتی سخن از صبر می‌شود، ذهن‌ها به همین سمت می‌رود. اگر انسان، عزیزی یا مالی را از دست دهد یا از نعمت سلامتی محروم شود موظف به صبر است.

بالا تر و دشوارتر از صبر بر مصیبت، صبر در برابر طاعت است. انسان باید در برابر اوامر الهی صبور باشد. قطعاً نماز، روزه، حج، رعایت حجاب، پاکدامنی و پاکی و تمام این فضائلی که در اسلام به عنوان واجب یا معروف از آن یاد می‌شود نیازمند صبر است. دلیل اینکه بعضی در انجام فرایض ناموفق هستند آن است که ضریب صبرشان پایین است.

عالی‌ترین مرتبه‌ی به صبر، صبر در برابر گناه است؛ اینکه انسان در برابر نافرمانی از خداوند، مهار نفس را بکشد. اینکه انسان با پاکی و ورع زندگی کند و از چشم، زبان، قلم، بیان و امکاناتی که خدا به او داده است سوء استفاده نکند ره‌آورد صبر در برابر گناه است.

یکی از مظاهر اطاعت الهی، تبعیت از ولیّ خدا و امام زمان علیه السلام است؛ ما باید در این زمینه هم راه صبر را پیش بگیریم و در اطاعتِ پیشوای غایب از نظر شکیبایی و صبوری کنیم. البته این امر سخت، اما پر ثواب است. امام حسین علیه السلام می فرمایند:

«أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ
بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»^۱.

بدانید کسی که در غیبت امام زمان علیه السلام بر آزارها و تکذیب‌ها صبر می کند مانند کسی است که در کنار رسول خدا شمشیر می زند و مجاهدت می کند.

در این روایت شریف سیدالشهدا علیه السلام به دو گروه بشارت اجر مجاهدان در رکاب رسول الله را می دهند؛ یکی کسانی که در برابر آزارها صبر می کنند و دیگر کسانی که در برابر کنایه‌ها و تکذیب‌ها بردبار هستند.

غیبت امام زمان علیه السلام برای مؤمنان اذیت‌هایی به همراه دارد؛ بعضی مسخره می کنند یا به ایذا و اذیت می پردازند. بعضی از مردم در عصر غیبت، اصل وجود امام را انکار می کنند و می گویند اگر امام

۱. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۵

زمانی بود، تا به حال آمده بود. چگونه می‌شود یک انسان بعد از گذشت بیش از یازده قرن، هنوز در قید حیات باشد و بین مردم زندگی کند و ما او را نبینیم؟! مانند آنچه نقل می‌کنند که مبلغان وهابی با جسارت و لحن بی‌ادبانه نام امام زمان علیه السلام را می‌برند و با لحن تمسخرآمیز می‌گویند: مهدی می‌آید مهدی می‌آید.

امام حسین علیه السلام می‌فرمایند در دوران غیبت، برخی شما را تکذیب و اذیت می‌کنند و اگر شیعه بتواند در فراق امام بر اذیت‌ها و تکذیب‌ها صبوری و شکیبایی کند اگرچه کار بسیار دشواری انجام داده است اما قطعاً به مسیر سعادت و کمال قدم گذاشته است.

گفتار چهاردهم: صبوری در سایه‌ی امام علیه السلام

قال الباقر علیه السلام:

«اصْبِرُوا عَلَىٰ آدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عُدْوَكُمْ وَ رَابِطُوا
إِمَامَكُمْ»^۱

بر انجام واجبات صبر کنید و در مقابل دشمنان صبورانه
مقاومت کنید و ارتباط خود را با امام محکم نمایید.

بیان شد که منتظر واقعی، به دنبال جلب محبت امام است. بدون
تردید محبت به امام علیه السلام و رها شدن از خود، انسان را به کمال
والای معنوی خواهد رساند. انسانی که عاشقانه به کسی ابراز محبت
کند، تلاش می‌کند که سبک و سیاق و شرایط محبوب را در خود
به بهترین شکل ایجاد کند؛ به عبارت کامل‌تر، محبت بدون
یکرنگ‌شدن، لاف دوستی است و دروغی بیش نیست.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، صفحه ۲۱۹

تو که در بند خویشتن باشی عشق‌بازِ دروغ‌زن باشی^۱
عاشق واقعی آن است که از خود رسته و رها شود تا بتوان گفت
که در عشق خود صادق است. تبیین این موضوع نیازمند بیان نکاتی
است که در ذیل می‌آید.

قبلاً اشاره شد که به حکم عقل، محبت به امام زمان علیه السلام یک امر
الزامی و ضروری است؛ چون امام زمان علیه السلام مظهر رأفت و مهربانی و
ولیّ خدا است، عقل می‌گوید از چنین شخصی باید تبعیت نمود.
امام اسوه‌ی کامل مهرورزی است. واضح است که ما اگر در
مسائلی صاحب نظر نباشیم، به ارشاد عقل به سراغ اهل آن می‌رویم.
شیوه‌ی صحیح مهرورزی هم یکی از همان مسائل است. انسانی که
می‌خواهد محبت کردن او در مسیر صحیح الهی قرار بگیرد باید
خود را به منشاء اصلی آن متصل کند که همان امام است.

یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در جلب محبت امام زمان علیه السلام،
حفظ شئون اسلامی است. رعایت مسائلی مثل تقوا و پرهیز از
محرمات و رعایت آداب و اخلاق و سنن اسلامی سبب می‌شود که
امام مهربانی‌ها - که اسوه تقوا است - به نظر محبت به سوی ما بنگرند.

۱. سعدی، گلستان، باب پنجم

روایتی که در سطور بالا به آن اشاره شد از فرمایشات امام باقر علیه السلام است که در تفسیر آیه‌ی پایانی سوره آل عمران فرموده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فراخوانید و در جنگ‌ها پایداری کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

خداوند به بندگان توصیه می‌کند که راه صبر و شکیبایی و بردباری و ارتباط برقرار کردن و تقوای الهی را در پیش بگیرند. امام باقر علیه السلام در تبیین این آیه می‌فرماید خطاب خداوند با عبارت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا» به بندگان مؤمن است؛ زیرا تا بندگان به خدای یگانه ایمان نداشته باشند، ترسیم مسیر تقوا برایشان مفهومی ندارد.

اولین توصیه‌ی این آیه، صبر است که امام علیه السلام آن را تبیین فرمودند. طبق بیان حضرت، مؤمنان در دو مقام باید صبور باشند؛ اولاً صبر در ادای فرایض دینی و دوم صبر در برابر دشمنان.

۱. آل عمران، آیه ۲۰۰

شکی نیست که پابندی به واجبات با زحمت‌هایی همراه است. خواندن نماز اول وقت، روزه گرفتن، حج مشرف شدن، پرداخت زکات، پرداخت خمس و گذشتن از بخشی از اموال برای خدا هیچ یک خالی از دشواری نیست؛ لذا انسان باید ضریب صبر خود را بالا ببرد. طبق بیان امام معنای «اصبروا» صبر بر واجبات و تکلیف‌های دینی است. واژه دیگر «صابروا» است که آن هم از ریشه‌ی صبر است و معنای آن مقاومت در برابر شیطنت دشمنان دین است. قطعاً دشمنان دین از فتنه‌گری و توطئه کوتاهی نمی‌کنند. در سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام یکی از راه‌های تشخیص صحت مشی، مخالفت دشمنان بوده است؛ یعنی اگر دشمنان با اقدامی مخالفت کردند می‌تواند ملاک صحت آن عمل باشد؛ به همین دلیل امام خمینی ره فرمودند ما زمانی باید نگران باشیم که دشمن از ما تعریف کند؛ یعنی کسانی که با امام زمان علیه‌السلام و ارزش‌های اسلامی مخالف هستند اگر جای این نگرانی و دغدغه است که چرا دشمنان امام زمان علیه‌السلام از ما راضی هستند در واقع مخالفت اهل باطل، خود دلیل بر حقانیت ما می‌باشد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«حَسْبُ الْمُؤْمِنِ مِنَ اللَّهِ نُصْرَةٌ أَنْ يَرَىٰ عَدُوَّهُ يَعْمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ
عَزَّوَجَلَّ»^۱

برای مؤمن همین یک نصرت الهی کافی است که ببیند
دشمنانش مشغول معصیت خداوند هستند.

این را می توان به صورت یک قاعده بیان کرد که اگر دشمنان ما
اهل نافرمانی خدا و معصیت و بیگانگی با ولی خدا هستند، خداوند
را شاکر باشیم که ما در مسیر اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته ایم و اگر
کسانی با ما دشمنی و ستیز می کنند که بندگان مطیع خدا هستند و به
اهل بیت علیهم السلام ارادت دارند باید در کردار و رفتار خود تجدید نظر
کنیم.

با توجه به همین قاعده امام باقر علیه السلام واژه‌ی «رابطوا» را این گونه
معنا می کنند که مؤمن باید ارتباط خود را با امام زمان علیه السلام برقرار
کند.

در مورد شیوه برقراری ارتباط قبلاً بحث کردیم؛ مناجات با امام
در قالب ادعیه و دعاهای مأثور و نیز به یاد امام زمان علیه السلام بودن و دعا
برای فرج حضرت از مصادیق ارتباط با امام عصر ارواحنا له الفداء

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، صفحه ۴۰۹

است. همچنین کسانی که می‌خواهند با امام زمان علیه السلام ارتباط محبت-آمیز داشته باشند باید کارهایی را انجام دهند که خود حضرت به آن‌ها مداومت دارند و مرضی خدا و ایشان است و از کارهایی که امام زمان علیه السلام آن‌ها را نمی‌پسندد صرف نظر کنند.

از جمله شیوه‌های ارتباط با امام، برپایی مجالسی است که امام زمان علیه السلام در آن یاد می‌شود. امام رضا علیه السلام فرمودند:

«مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يَحْيَا فِيهِ أَمْرًا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ
اگر کسی در مجلسی حاضر شود که امر ما در آن احیا می‌شود
در روزی که همه قلب‌ها می‌میرد، قلب او نخواهد مرد.

این حدیث یک سبک زندگی نورانی را برای ما ترسیم می‌کند. ما باید از فرصت‌ها برای ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم السلام استفاده کنیم؛ با برپایی مجالس خانوادگی، هم‌صله‌ی رحم انجام دهیم که خود دستور دین است و هم یاد اهل بیت علیهم السلام را زنده کنیم و جان را به آب حیات فرمایشات ایشان شستشو دهیم.

گفتار پانزدهم: آماده باش دائمی

از دیگر بایسته‌های عمومی عصر انتظار، ایجاد و حفظ دائمی آمادگی در تمام عرصه‌ها و زمینه‌ها برای یاری حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام است. منتظران واقعی - اعم از زن و مرد - باید همواره آمادگی و استعداد یاری امام زمان را در خود حفظ کنند. شیعیان امام عصر علیه السلام خود را سربازانی در اردوگاه امام می‌دانند که هر لحظه آماده‌ی انجام فرامین ایشان هستند.

از وجود مقدس امام باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا^۱ سؤال شد. امام توضیحی ذیل آن بیان فرمودند که در کتاب شریف غیبت نعمانی آمده است. حضرت فرمودند: خطاب خداوند با عبارت «اصبروا، صبر و شکیبایی پیشه کنید» بدان معنا است که صبر بر ادای فرایض داشته باشید^۲. پایداری

۱. آل عمران: ۲۰۰

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۱۹

و مداومت بر انجام فرایض کار آسانی نیست و نیازمند صبر است. اگر کار سهل و آسانی بود همه موفق به انجام آن می شدند. نماز، حج، پرداخت خمس و ... همه از واجبات است اما بسیاری از مردم حوصله‌ی پرداختن به آن را ندارند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«لَمَّا أَفَاضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَلَقَّاهُ أَعْرَابِيٌّ فِي أَفْطَحَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي خَرَجْتُ أُرِيدُ الْحَجَّ فَعَاقَبَنِي عَائِقٌ وَ أَنَا رَجُلٌ مَلِيٌّ كَثِيرُ أَمْوَالٍ فَمُرَّنِي مَا أَصْنَعُ فِي مَالِي مَا أَبْلُغُ مَا بَلَغَ الْحَاجُّ قَالَ فَالْتَمَتَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى أَبِي قُبَيْسٍ فَقَالَ لَوْ أَنَّ أَبَا قُبَيْسٍ لَكَ زَنَّةٌ ذَهَبِيَّةٌ حَمْرَاءُ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَلَغْتَ مَا بَلَغَ الْحَاجُّ»^۱

آن هنگام که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عرفات ره می‌پیمود، صحرانیشینی در بیابان آن حضرت را ملاقات کرد و گفت: ای پیامبر خدا به راستی، من آهنگ حج نمودم ولی مشکلی پیش آمد و از حج باز ماندم. من مردی دارا هستم. بفرمایید که با دارایی‌ام کاری انجام دهم که به آنچه حج‌گزاران دست می‌یابند، برسم. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به کوه ابوقبیس رو نموده و فرمودند: چنانچه همسنگ کوه ابوقبیس طلای سرخ داشته

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، ص ۴۸

باشی و آن را در راه خدا انفاق کنی، به آنچه که حج گزاران دست یابند، نمی‌رسی.

ثواب حج در خود حج قرار دارد و اگر کسی طالب آن است باید محرم شود، تلبیه کند، در عرفات و مشعر و منا حاضر شود، رمی جمره نماید، طواف خانه‌ی خدا و سایر مناسک و اعمال را در زمان خاص به جا آورد تا به ثواب حج برسد.

سپس امام در تبیین معنای «وصابروا» می‌فرماید: منظور، صبر در برابر دشمنان است. قطعاً جامعه اسلامی دشمن دارد و آن‌ها دست روی دست نمی‌گذارند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ مانند همه‌ی انبیای گذشته، پیوسته دشمنانی سرسخت داشتند که علیه ایشان شیطنت می‌کردند. این شیطنت‌ها و آزارها در زمان پیامبر ﷺ به اوج خود رسید بگونه‌ای که هیچ‌کس به اندازه ایشان، مورد ایذا و اذیت قرار نگرفت. تا آنجا که پیامبر ﷺ فرمودند:

«مَا أُذِيَّ نَبِيٌّ مِثْلَ مَا أُذِيْتُ»^۱.

هیچ پیامبری به اندازه من مورد اذیت واقع نشده است.

به طور کلی هر چه دین الهی به تکامل نزدیک تر می‌شد، شیطنت دشمنان هم جدی تر می‌شد. شیطان‌صفتان در میدان بندگی خدا مجال تحرک ندارند. به همین دلیل با هر حرکتی که رنگ و بوی خدایی داشته باشد مخالفت می‌کنند؛ تا آنجا که اهل بیت علیهم‌السلام، مخالفت دشمنان را علامت صحت عمل شیعیان دانسته‌اند؛ از این رو امام خمینی رحمه‌الله می‌فرمودند: ما زمانی باید نگران باشیم که دشمنان از ما تعریف کنند. اگر دشمنان دین و فضیلت از کسی تعریف کردند جای تأمل دارد که ما چه کردیم که شیطان‌صفتان از ما به نیکی یاد می‌کنند؟ قطعاً کسی که در مسیر خدا قدم برمی‌دارد با آن‌ها که با خدا و دین زاویه دارند مخالفت می‌کند و متقابلاً دشمنان همه‌ی عداوت و دشمنی خود را علیه او به کار می‌بندند.

امام علیه‌السلام در تبیین معنای «ارباطوا» می‌فرمایند:

«وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُتَنَظَّرَ»^۱.

با امام منتظر ارتباط پیدا کنید.

این ارتباط اولاً به معنی شناخت امام است. اینکه ما بدانیم رضایت امام در چیست و چه وظیفه‌ای در برابر ایشان داریم؟

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۷

نکته دیگر نهفته در روایت، دستور آماده باش دائمی در تمام طول زندگی است.

نمونه‌ای از آمادگی در عصر غیبت

حضرت آیت‌الله‌العظمی سیستانی مدظله‌العالی در دیداری که با ایشان در نجف داشتم فرمودند: اگر تربیت جدمان نبود در عراق دوام نمی‌آوردیم.

پدر ایشان آیت‌الله سید محمد باقر مجتهد سیستانی از بزرگان و نخبگان ساکن مشهد بودند. در حالات ایشان نقل می‌کنند که چهل شب جمعه به قصد تشرّف به محضر امام زمان علیه السلام مداومت بر دعا و توسل داشتند. در شب جمعه‌ی چهلم متوجه می‌شوند که از خانه‌ی مجاور، نوری به آسمان می‌رود. به ذهن ایشان خطور می‌کند که شاید حضرت ولی‌عصر علیه السلام در آن خانه تشریف دارند؛ لذا با سرعت به سمت آن خانه می‌روند. وارد خانه که می‌شوند جنازه‌ای را می‌بینند که پارچه‌ای روی آن انداخته شده بود و حضرت ولی‌عصر علیه السلام نیز بالای سر آن جسد بودند.

وقتی آیت‌الله سیستانی وارد اتاق شد حضرت فرمودند: این جسد را می‌شناسی؟ پس از اظهار بی‌اطلاعی ایشان، حضرت فرمودند: این جسد یکی از بانوان پاکدامنی است که در جریان کشف حجاب

رضاخانی از ترس آنکه حجاب از سر او بردارند شش سال از خانه بیرون نیامد. الآن که از دنیا رفته، من بر خود لازم می دانم که در کنار پیکر او حاضر شوم و برایش قرآن بخوانم و دعا کنم.^۱

این حاصل ارتباط شیعیان با امام زمان علیه السلام است. به یقین اگر کسی قدمی در جلب رضایت حضرت بردارد، ایشان هم در مقاطع مختلف به یاری و دیدار او می آیند. معنای «رابطوا» هم همین است؛ اینکه پیوند با امام به گونه ای محکم باشد که حضرت، از ما راضی باشند هر چند توفیق تشرّف و زیارت حاصل نشود.

یکی دیگر از بایسته های عمومی عصر غیبت، بزرگداشت نام و یاد حضرت است. ما باید امام زمان علیه السلام را تکریم کرده و یاد حضرت را احیا کنیم.

تکریم امام زمان علیه السلام در سیره علماء

دو تن از شاگردان آیت الله العظمی بروجردی [یعنی محقق دوانی و آیت الله آقای حاج شیخ مجدالدین محلاتی] نقل کردند که ایشان در روز پایانی درس خارج در حضور مجتهدین و علمائی که پای

۱. قاضی زاهدی، احمد، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۵۸

درس بودند فرمود: الآن که برای تابستان به شهرهای خود می‌روید هر کجا هستید از امام زمان علیه السلام سخن بگویید و نام حضرت را بلند- آوازه کنید. مسجد، حسینیه، درمانگاه یا مرکز خیریه‌ای که تأسیس می‌کنید، به نام امام زمان علیه السلام باشد. سپس آیت الله بروجردی فرمودند: امروز غریب‌ترین فرد، وجود مقدس امام عصر علیه السلام است. لذا ما باید نام حضرت را تکریم کنیم.

مراسم اربعین که با چنین شکوهی برگزار می‌شود اظهار ادب و احترام مردم نسبت به امام حسین علیه السلام است و بسیار شایسته است که این اظهار ادب بسیار پررونق‌تر، متوجه امام حی بشود. این تکریم هم باید از نظر روحی و عاطفی در قالب دعای عهد، زیارت آل یاسین و غیره باشد که از ناحیه بزرگان توصیه شده و هم در ارتباط‌های معنوی و اجتماعی این پیوند تحقق پیدا کند.

گفتار شانزدهم: همگام با اهل بیت علیهم السلام

قال علی علیه السلام:

«انظروا أهل بيت نبيكم فالزموا سمتهم ... ولا تسبقوهم
فتضلوا ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا»^۱

به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بنگرید و به جهتی که ایشان می روند ملتزم شوید و از ایشان سبقت نگیرید که گمراه می شوید و از پی آنها عقب نمانید که هلاک خواهید شد.

محور بحث، وظایف عامی بود که شیعیان در عصر غیبت نسبت به امام خود دارند. تکلیف همگانی و وظایف عامی که همه‌ی ما بر عهده داریم در زمره ضرورت‌ها و بایسته‌های انتظار تعریف می‌شود. یکی از آن تکالیف، همگامی با رهبران دینی و امامان معصوم علیهم السلام است. ما به عنوان شیعیان و پیروان ائمه طاهرین، وظیفه داریم که از دستورات ایشان که اسوه هستند تبعیت کنیم.

۱. بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۸۲

امیرالمومنین علیه السلام در این روایت شریف به یک نکته اشاره می‌فرمایند؛ این که ما نه از اهل بیت علیهم السلام جا بمانیم و نه از ایشان سبقت بگیریم. پیشی گرفتن از اهل بیت علیهم السلام، ضلالت و گمراهی به همراه دارد؛ چرا که وقتی هنوز دستوری از سوی ایشان صادر نشده باشد و ما مبادرت به انجام کاری کنیم دچار تحیر می‌شویم. همچنین عقب‌ماندن از ایشان سبب می‌شود که در لحظه‌ی ادای تکلیف، ما در غفلت به سر ببریم و با ترک وظیفه، مورد غضب پروردگار واقع شویم.

قطعاً ما قادر نیستیم با سرعتی که اولیای الهی حرکت می‌کنند حرکت کنیم اما می‌توانیم در همان مسیر و جهت قرار بگیریم هرچند موظفیم تمام تلاش خود را برای هم قدم شدن با ایشان به کار بندیم.

طبق بیان روایات، انسان‌های جاهل یا گرفتار افراط هستند یا تفریط؛ یعنی یا تندروی می‌کنند یا گرفتار کندروی می‌شوند به تعبیر امروزی برخی افراد کاسه داغ‌تر از آش هستند و می‌خواهند جلوتر از امام حرکت کنند. همانطور که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند این مسئله سبب می‌شود که انسان‌ها به ضلالت بیافتند که نمونه‌های بسیاری از آن را در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام مشاهده می‌کنیم. خوارج انسان‌های تندرویی بودند که ادعای دینداری داشتند اما از امام خود

سبقت گرفتند و جنگ نهروان را به راه انداختند که ضایعه‌ای برای عالم اسلام است.

عقب ماندن انسان‌ها از امام نیز سبب هلاکت می‌شود. اگر کسی از ادامه‌ی مسیری که باید در آن حرکت کند باز بماند، هلاکت خویش را رقم زده است. تنها راه موفقیت و سعادت‌مندی همراهی با امام است.

شاخص راه و بیراه

نهایتاً باید گفت، از جمله دستاوردهای معرفت به امام، تشخیص راه و بیراه در سایه‌ی تعالیم ایشان است. امام شاخص حق و باطل است که بدون آن، بندگان، توان پیدا کردن مسیر سعادت را نخواهند داشت.

کسی که می‌خواهد پا جای پای ولی خدا بگذارد و به سمت و سوی آن‌ها ملتزم شود، باید از اهل بیت علیهم‌السلام عقب نماند؛ چرا که این عقب ماندن سبب هلاکت انسان‌ها می‌شود؛ همچنان که پیشی گرفتن از رهبران الهی سبب ضلالت و گمراهی است، عقب ماندن از این الگوهای دینی نیز سبب هلاکت است. تنها راهی که برای رسیدن به سعادت باقی می‌ماند، همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام است؛ لذا در حوزه‌ی شناخت وظایف فردی، ضرورت امام‌شناسی

احساس می‌شود. اگر ما به امام، معرفت پیدا کنیم، در یافتن روش صحیح زندگی دچار انحراف و انحطاط نمی‌شویم.

اولین گامی که اولیاء الهی توقع دارند که ما برداریم، رعایت تقوا و پرهیزگاری است. همسو شدن و هم‌رنگی با ذوات مقدس اهل بیت علیهم‌السلام، به زندگی ما رنگ الهی می‌بخشد. اهل بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اسوه تقوا بودند و تقوایبشگی، ما را شبیه آنان خواهد کرد. این انوار الهی در دستگیری از نیازمندان زبانزد بودند و بی‌تردید از پیروان خود چنین توقعی دارند.

حاصل سخن آن که رفتارهای ما باید بازتاب کوچکی از سیره‌ی تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام باشد تا بتوانیم ادعا کنیم که معرفت ایشان در دل ما متجلی شده است.

گفتار هفدهم: وظیفه‌ی منتظر؛ تلاش اجتماعی

قال الله تبارک و تعالی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که پیروز و رستگار گردید.

در بخش قبل در مورد آیه‌ی ۲۰۰ سوره آل عمران و ارتباط آن با موضوع مهدویت بحث کردیم. همچنین دستورات چهارگانه‌ی مندرج در آیه، تبیین شد که عمل به آن‌ها منجر به سعادت و رستگاری است.

این آیه شریفه حاوی نکات ارزشمندی است که از تدبر در آن

۱. آل عمران: ۲۰۰

به دست می آید. نکته‌ی اول آن است که راه رستگاری از ایمان و خدامحوری می گذرد. کسانی که می خواهند یک زندگی آمیخته با موفقیت و رستگاری داشته باشند باید رضای خدا را ملاک عمل قرار دهند. از آنجا که امام زمان، حلقه‌ی وصل بین آسمان و زمین هستند و از جانب خداوند بر ما ولایت دارند جلب رضایت ایشان در کنار رعایت تقوا تراز حقیقی و واقعی اعمال به شمار می‌رود؛ بنابراین ما باید رضایت الهی و جلب نظر امام زمان را تراز اعمال خود قرار بدهیم. معنای ایمان به عنوان ترازوی اعمال هم باید توسط ائمه برای ما تبیین شود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«أَنْ يُطَاعَ اللَّهُ فَلَا يُعْصَى»^۱

ایمان یعنی اطاعت از خدا کنید و آنچه سبب نافرمانی پروردگار می‌شود را ترک کنید.

ائمه معصومین علیهم السلام بر این مطلب تأکید دارند که هر کس خود را از ما می‌داند باید از نافرمانی خدا فاصله بگیرد.

همچنان که در گفتار سابق بیان شد، کسانی که در برابر مشکلات فردی خود صبور نباشند، قادر به حل مشکلات اجتماعی

نیستند. تنها کسانی با مشکلات اجتماعی توان رویارویی دارند که ضریب مقاومت فردی خود را بالا برده باشند. واژه‌ی «اصبروا» اشاره به ضریب مقاومت فردی دارد و «صابروا» بر ضریب مقاومت اجتماعی تأکید می‌کند. بدیهی است تا خود انسان ابتدا واکنش‌ناپذیر باشد، نمی‌تواند در برابر دشمنان دین مقاومت کند. همه کسانی که در برابر تبلیغات و تهاجمات فرهنگی دشمن آسیب می‌بینند در دفاع فردی و شخصی ضعف دارند؛ و چون از نظر بنیه اعتقادی ضعیف هستند، در رویارویی با تبلیغات دشمن، زمین می‌خورند.

اما نکته‌ی دیگری که از این آیه استفاده می‌شود و در این گفتار به آن می‌پردازیم، آن است که اسلام دین ارتباط اجتماعی است که در سطوح مختلف تعریف می‌شود؛ ارتباط با مردم، ارتباط با خدا و ارتباط با رهبران الهی مراتب این ارتباط اجتماعی است. اسلام نسبت به حفظ برخی از این رابطه‌ها - مثل رابطه با امام - حساسیت نشان داده است. برای حفظ و قطع سایر رابطه‌ها نیز دستورالعمل کاملی دارد که نیازمند نوشتار مستقلی است. ولی یک نکته در این باره وجود دارد که اسلام رهبانیت را نمی‌پذیرد. پیامبر ﷺ فرمودند:

«لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ»^۱

در اسلام رهبانیت وجود ندارد.

در کنج عزلت نشستن و در خلوت خود به دعا و عبادت مشغول شدن، مورد تأیید اسلام نیست. مرام اسلام آن است که آحاد مردم در جامعه حضور اجتماعی فعال داشته باشند و از ارزش‌ها حراست کنند.

در مسیر جنگ جمل، امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شهر بصره شدند. آنجا دو برادر زندگی می‌کردند که هر دو ارادتمند حضرت بودند. یکی از آن‌ها ترک دنیا کرده و در مسجد معتکف بود و دیگری به فعالیت‌های اجتماعی خود اشتغال داشت. هر دو برادر از تمکّن مالی هم برخوردار بودند و نیازی به کار کردن نداشتند.

روزی برادر فعال، حضرت را برای صرف غذا به منزل دعوت کرد. امام دعوت او را پذیرفتند و با تعدادی از یاران به منزل آن شخص رفتند. به دلیل آنکه منزل میزبان، وسیع و با امکانات بود، حضرت به او تذکر دادند که مراقب باشد این خانه و تجهیزات او را از یاد خدا غافل نکند. آن مرد عرض کرد من در همین خانه به فقرا

۱. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۹۳

رسیدگی می‌کنم و مجالس نشر معارف دینی برپا می‌دارم و گزارشی از کارهای خود به حضرت عرضه کرد. امام او را تأیید کرده و در حق او دعا کردند. سپس فرمودند تو در حقیقت داری از دنیای خوب، آخرت خوبی برای خود رقم می‌زنی.

آن مرد هنگام خروج امام از منزل، عرض کرد من برادری دارم که به شما ارادت دارد اما زن و بچه را رها کرده و در مسجد جامع بصره معتکف شده است. هر چه او را نصیحت می‌کنم فایده ندارد اما سخن شما را حتماً می‌پذیرد. حضرت به قصد دیدن او، عازم مسجد جامع بصره شدند. وقتی خبر به برادر معتکف رسید خود را به درب مسجد رساند تا از حضرت استقبال کند. با ورود امام، نشانه ادب دست حضرت را بوسید اما اولین جمله‌ای که امام علیه السلام به او فرمودند این بود که:

«يَا عَدِيَّ نَفْسِيهِ»^۱

ای دشمنک جان خودت! چه می‌کنی؟

حضرت به او فرمودند: چرا زن و بچه خود را رها کرده و در مسجد معتکف شده‌ای؟ مرد عرض کرد: من از دنیا فاصله گرفتم

که آخرت خود را بسازم. حضرت به او گوشزد کردند که معنای فاصله گرفتن از دنیا را نفهمیده است. ایشان فرمودند ترک دنیا یعنی به آن وابستگی پیدا نکنید نه اینکه خود را از مواهب آن محروم نمایید. تو باید در جامعه و در بین مردم باشی^۱.

تذکری که متدینین و مؤمنین لازم است به آن توجه داشته باشند این است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ طیب دوار و پزشک سیار بودند. خانه به خانه و چهره به چهره مردم را به خدا دعوت می کردند و شایسته است مؤمنان نیز چنین باشند. متدینین باید به سوی مردم بروند و حقایق دین را منتشر نمایند. اگر قرار باشد که ما خود را دریابیم و بس، دشمن روز به روز محاصره خود را تنگ تر می کند و بر ما هجوم می آورد.

گفتار هجدهم: امام زمان علیه السلام، بلاگردان امت

در ادامه‌ی بحث وظایف منتظران، ویژگی‌های خاص حضرت بقیه‌الله علیه السلام را به عنوان مقدمه‌ی شناخت ایشان مورد دقت و مطالعه قرار می‌دهیم.

یکی دیگر از ویژگی‌های امام عصر علیه السلام، خاتم‌الأوصیاء بودن ایشان است؛ یعنی حضرت پایان‌بخش سلسله‌ی امامت هستند. این مختص حضرت ولی عصر علیه السلام است و سایر ائمه علیهم السلام، خاتم‌الأوصیاء نیستند. حضرت در توفیق شریفی می‌فرمایند:

«أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَ شِيعَتِي»^۱

من آخرین از جانشینان پیامبر هستم و خدا به واسطه‌ی من، بلا را از اهل من و شیعیانم برمی‌دارد.

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۴۱

این روایت حاوی یک نکته برای شناخت شخصیت امام زمان علیه السلام است؛ امام زمان علیه السلام وجود باارزشی است که بلاگردانِ بندگان خدا، خصوصاً شیعیان است.

در گذشته، به راز ولادت و زندگی مخفیانه‌ی امام زمان علیه السلام اشاره کردیم. پنهان‌زیستی حضرت، به امر الهی و به دلیل شرایطی بود که توسط حاکمان ظالم بنی‌عباس برای ایشان ایجاد شده بود. وجود مقدس امام عسکری علیه السلام در عین حالی که امام زمان علیه السلام را به همگان معرفی نمی‌کردند اما در موارد نادری، بنابر مصلحت و البته لیاقت افراد، پرده از چهره‌ی مبارک ایشان برمی‌داشتند. ویژگی مشترک همه‌ی این افراد آن بود که در سایه‌ی تعالیم اهل بیت علیهم السلام به مرتبه‌ای از تربیت دینی رسیده بودند که محرم و حافظ اسرار ائمه علیهم السلام باشند. این امر به صورت یک قاعده درآمد و در طول تاریخ - چه در زمان غیبت صغری و چه غیبت کبری - افرادی که لیاقت خود را به اثبات رسانده بودند، به محضر حضرت بقیه‌الله علیه السلام شرفیاب می‌شدند.

تشرّف نماینده مردم قم

«سعد بن عبدالله اشعری» که از محدثان نامدار شیعه بود به نمایندگی از مردم قم راهی سامرا شد تا وجوهات مردم قم را

خدمت امام عسکری علیه السلام تقدیم کند. این وجوهات در کیسه‌هایی بود که هر کدام مُهر خاصی داشت و سر بسته و پلمپ بود. هنگام خروج از قم، پیرزنی، یک پیراهن که خود بافته بود را به همراه دو درهم به او داد و خواهش کرد که آن را به امام عسکری علیه السلام برساند. سعد بن عبدالله وقتی وارد خانه‌ی امام شد، کیسه‌ها را همراه خود به داخل منزل برد اما فراموش کرد که پول و پیراهن پیرزن را از خورجین در آورد. او می‌گوید هنگامی که وارد خانه امام عسکری علیه السلام شدم حضرت مشغول پاسخگویی به نامه‌هایی بودند که در مقابلشان بود. یک کودک حدوداً سه ساله با چهره گندمگون نیز در اتاق ایشان بود که سعی می‌کرد قلم را از دست حضرت بگیرد که ما آن طفل را نمی‌شناختیم. حضرت برای این که بتواند به کار خود برسند با یک گوی پارچه‌ای که کنارشان بود آن کودک را سرگرم می‌کردند و در این فاصله به نوشتن پاسخ نامه‌ها می‌پرداختند. در همین اثنی به فکر فرو رفتم که بعد از امام عسکری علیه السلام، زمام هدایت و امامت را چه کسی به عهده خواهد گرفت و امام بعد از ایشان کیست؟

تقریباً از ابتدای دوران امامت، کسانی که از راه‌های دور خدمت ائمه علیهم السلام می‌رسیدند به روش‌های مختلف از تشرّف به محضر امام اطمینان حاصل می‌کردند؛ مثلاً برای آن که مطمئن شوند در محضر

امام نشسته‌اند، منتظر اخبار غیبی حضرت می‌شدند. در موارد متعددی، ائمه علیهم‌السلام بدون باز کردن نامه‌ها، جواب‌هایی مرقوم می‌کردند و یا اخباری را از بلاد مراجعه‌کنندگان می‌دادند؛ یکی از روش‌ها این بود که امام خصوصیت اموالی را که مراجعان با خود آورده بودند برمی‌شمردند و در صورت صحت، ادعای امامت ایشان اثبات می‌شد. همچنین در برخی از موارد امام علیه‌السلام پاسخ شبهه یا موضوعی که به ذهن مراجعه‌کنندگان خطور کرده بود را می‌دادند.

سعد بن عبدالله می‌گوید تا این فکر به ذهنم خطور کرد که بعد از امام حسن عسکری علیه‌السلام، چه کسی امام خواهد بود، حضرت رو به همان طفل کرده و فرمودند: فرزندم! وجوهات مردم قم را تحویل بگیر. آن طفل در مقابل دیدگان متعجب ما جلو آمد و فرمود: داخل کیسه اول ۲۲۵ دینار است که تعداد معینی معیوب و بقیه سالم هستند و متعلق به فلان شخص است و شغل آن فرد را هم گفتند.

سپس فرمودند ما وجوهاتش را قبول می‌کنیم. وقتی که کیسه باز شد، مشاهده کردیم که همه‌ی آن مشخصات درست است و این واقعه تکرار شد تا تکلیف همه‌ی اموال روشن شد. البته برخی از اموال را به دلیل آن که به حرام آمیخته بود نپذیرفتند و خواستند که به صاحبانشان برگردانده شود. با این حرکت امام عسکری علیه‌السلام، ما

امام پس از ایشان را شناختیم و بر ما روشن شد که آن طفل، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است.

بعد از اینکه تکلیف اموال روشن شد، حضرت فرمودند برو هدیه آن پیرزن قمی و پیراهنی که در خورجین گذاشتی را بیاور؛ ما پول او را می‌پذیریم و لباس او را قبول می‌کنیم و در حق او دعا می‌کنیم. شرایط سخت آن روزگار اقتضا می‌کرد که حتی در زمان حیات امام عسکری علیه السلام هم مصلحت نباشد که همگان، امام عصر علیه السلام را ببینند و فقط خواص این توفیق را داشتند.

خلیفه عباسی که موفق به پیدا کردن امام زمان نشده بود دستور داد پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، به منزل ایشان یورش برند تا اگر از آن مولود مبارک اثری دیدند فوراً ایشان را به شهادت برسانند؛ زیرا یقین داشت که وعده‌ی الهی محقق شده و آن منجی بزرگ به دنیا آمده است؛ بنابراین آخرین تلاش مذبحخانه خود را برای از میان برداشتن عدالت گستر جهان انجام داد.^۱

در این میان برخی از نزدیکترین افراد به امام زمان علیه السلام همچون عمویشان جعفر کذاب - که بعد توبه کرد و به جعفر تواب معروف

۱. کمال‌الدین، ص ۴۳ و کافی، ج ۱، ص ۵۰۵

شد - که امام زمان علیه السلام را ندیده بود در روز تشییع امام عسکری علیه السلام و اقامه‌ی نماز توسط امام زمان علیه السلام با اغراض دنیایی منکر وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام شد.

بعد از اقامه‌ی نماز بر پیکر مطهر امام عسکری علیه السلام دوران غیبت صغرا شروع شد و حضرت از انظار عموم مردم غائب بودند و تنها توسط نواب خاص که چهار نفر بودند با مردم سخن می‌گفتند. با ارتحال نایب چهارم، دوران غیبت کبری - که ما نیز به آن مبتلا هستیم - شروع شد و فصل جدیدی از وظایف و تکالیف فردی شیعیان در برابر امام زمان گشوده شد.

گفتار نوزدهم: امام علیه السلام؛ عامل امنیت، حافظ آئین پروردگار

بر اساس قاعده‌ی لطف که در سابقاً به آن اشاره شد، فلسفه‌ی تعیین امام از جانب پروردگار، لزوم ایجاد زمینه‌ی هدایت بشر است. لازمه‌ی این هدایت، دسترسی به امام معصوم است؛ یعنی افراد باید بتوانند به هادیان امت دسترسی داشته باشند تا دستورات و ارشادات لازم را دریافت کنند. همین امر سبب این سؤال می‌شود که امام غائب چه فوایدی دارد؟ آیا اگر امام زمان علیه السلام در بین انسان‌ها حضور داشت برکات و آثار او برای جامعه بیش‌تر از غایب بودن او نبود؟ قبلاً بیان کردیم که امام علیه السلام حجت خدا بر روی زمین است. به تعبیر روایات اگر زمین خالی از حجت باشد اهل خود را می‌بلعد که کنایه از نابودی اهل زمین است^۱. لذا از برکات و آثار امام غایب، ایمنی‌بخشی از بلا یا است

۱. کافی، کتاب الحجّة، ص ۱۷۷ تا ۱۷۹

فلسفه‌ی غیبت مسئله‌ی مهمی است که باید قبل از فوائد امام غایب بحث شود؛ به عبارت دیگر ما ابتدا باید بدانیم علت این غیبت و دلایل طولانی شدن آن چیست؟ و عوامل محرومیت ما از درک حضور امام کدام است؟ البته این موضوع، نیازمند شرح و بسط فراوان دارد و باید در نوشتاری مستقل در مورد آن بحث شود اما به طور خلاصه باید گفت عدم آمادگی مردم در صیانت از مقام امامت و آزمایش انسان‌ها از علت‌هایی است که سبب طولانی شدن غیبت شده است.

اکنون زمان آن است که به سؤال قبل بازگردیم. فواید امام غایب

چیست؟

یکی از آثار و برکات امام غائب - که در بالا بیان شد - ایمنی بخشی بندگان خدا از بلایا است. حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام در حدیث شریفی خود را این گونه معرفی می‌کنند:

«إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»^۱

من برای [تمامی] اهل زمین، عامل امنیت هستم.

امام زمان علیه السلام، تنها امام شیعیان و مسلمین نیستند. حضرت،

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰

پیشوای بشریت و رهبر همه‌ی انسان‌ها هستند؛ لذا وجود وجود مقدس ایشان برای همه‌ی انسان‌ها مایه‌ی امن و امان است.

ایمنی‌بخشی از بلایا توسط امام معصوم، قاعده‌ای است که از قرآن کریم استفاده می‌شود. قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾^۱

ای رسول ما! تا تو در میان آن‌ها هستی خداوند آن‌ها را به عذاب گرفتار نخواهد کرد

وجود پیامبر اکرم ﷺ در جامعه عامل امنیت بود و امام زمان ﷺ

نیز به همین نحو است.

نکته‌ای که در مورد امام ﷺ نباید فراموش کنیم آن است که برکت وجود ایشان - چه حاضر باشند و چه غایب - همگان را در بر گرفته است؛ همان‌گونه که خورشید بر همه‌ی مخلوقات و موجودات پرتوافشانی می‌کند و حتی کسانی که ارزش خورشید را نمی‌دانند از آن بهره می‌گیرند و استفاده می‌کنند. به عبارت واضح‌تر، برای بهره‌مندی از وجود امام زمان ﷺ، نیازی به حضور ایشان در مقابل انظار نیست.

یکی دیگر از فوائد امام غایب این است که ایشان نگهبان آیین خداوند با هدایت باطنی هستند. وجود مقدس امام زمان علیه السلام اگرچه از نظرها غایب است اما بر همه‌ی امور جهان احاطه دارند و از آیین الهی و شریعت رسول خدا و فرامین آسمانی نگهبانی و پاسداری می‌کنند. نمونه‌های فراوانی در دوران غیبت صغری و کبری وجود دارد که حضرت توسط نواب اربعه یا بعضی از انسان‌های پاک‌سیرت و رسته از تعلقات دنیایی، پیغام‌ها و رهنمودهای خود را به جامعه یا اشخاص ابلاغ می‌کردند.

امام موظف به حفظ ارزش‌های دینی و پاسداری از آن است. با توجه به رسالتی که خداوند بر عهده امام علیه السلام گذاشته است حضرت به هر شکل ممکن باید زمام هدایت جامعه را در دست بگیرند و از دین صیانت کنند. اکنون که شرایط برای ظهور حضرت مهیا نیست باید این مهم به شکل دیگری انجام شود. متکلمین شیعه کاربردی-ترین ابزار انجام این رسالت را هدایت باطنی امام می‌دانند؛ یعنی حضرت گاه در عالم رؤیا یا در تشرفات بزرگان به محضر ایشان و یا ترتیب دادن اسباب تشخیص راه و بیراه برای مجتهدان - که نواب عام حضرت هستند - این رسالت را به اتمام می‌رسانند.

گفتار بیستم: امام علیه السلام؛ فانوس هدایت، دستگیر ضعفاء

یکی دیگر از آثار و برکات امام غایب آن است که ایشان سبب می‌شوند انسان‌ها در مسیر پاکی و صداقت حرکت کنند و کارهای خود را با نظر امام زمان تنظیم کنند. تبیین این فایده نیازمند یک توضیح است. حضرت در توفیق شریفی می‌فرمایند:

«فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمُنَا بِأَبَائِكُمْ وَلَا يَعَزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ»^۱

براستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما، بر ما پوشیده نیست.

«نبا» به معنی خبر بزرگ و مهم است. حضرت می‌فرمایند خبرهای کلان و اساسی شما به ما می‌رسد.

نکته‌ی مهم این روایت در کلمه «احاطه» نهفته است. در زبان عربی محیط بر چیزی بودن به معنای اشراف کامل بر آن است به

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵

گونه‌ای که هیچ زاویه‌ی پنهانی در مورد آن موضوع وجود نداشته باشد. مانند آن که سکه‌ای کف دست انسان باشد که دو روی آن مقابل دیدگانش باشد. پس وقتی حضرت بقیه الله علیه السلام می‌فرمایند ما به زندگی شما احاطه داریم به این معناست که هیچ نقطه‌ی پنهانی در زندگی شما برای ما وجود ندارد. همین امر سبب می‌شود که انسان مؤمن، حریم الهی را نشکند و ظلم نکند. برای انسانی که معنای احاطه را درک کرده باشد، خلوت و جلوت فرقی ندارد و همواره مراقب است که رضایت خدا و امام زمان علیه السلام را بدست آورد.

عبدالله بن ابان زیات به محضر امام رضا علیه السلام مشرف شد و عرض کرد برای من و خانواده‌ام دعا کنید حضرت فرمودند:

«أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ»^۱

آیا چنین نمی‌کنم؟! به خدا قسم کارهای شما هر روز و شب به من عرضه می‌شود.

این سخن کنایه از آن است که ائمه علیهم السلام به کارهای ما واقف هستند و خداوند آشکار و نهان ما را به ایشان عرضه می‌کند؛ و لذا

این انوار مقدس ما را فراموش نمی کنند. اعتقاد به این امر سبب می شود که ما به گونه ای عمل کنیم که وقتی کارهای مان به حضرت ولی عصر علیه السلام عرضه می شود اسباب سرور حضرت را فراهم کنیم.

فایده ی دیگر امام غایب، یاری رساندن به افراد نیازمند - چه نیازمندان اقتصادی و چه فرهنگی - است. حضرت حتی در پس پرده ی غیبت به امور امت می پردازند و برای سامان آن ها تدبیر می کنند. ایشان در توقیع شریفی که به مرحوم شیخ مفید نوشتند می - فرمایند:

«إِنَّا عَيْرٌ مُّهِمِّلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»^۱

ما شما را بی سرپرست رها نمی کنیم. و یاد شما را فراموش نمی کنیم (به یاد شما هستیم) و اگر غیر از این بود، بر شما رنج و سختی و بلا نازل می شد و دشمنان، شما را بیچاره می کردند.

طبق مفاد این توقیع شریف، حضرت در دو مقام به تدبیر امور ما می پردازند؛ اول سختی ها و بلاها، و دوم حفاظت در برابر دشمنان.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴

این همان معنای یاری رساندن حضرت به یاران خود است. در مقابل، ایشان یک خواسته از شیعیان دارند که البته بازگشت منافع آن عاید یاران و اصحاب حضرت می‌شود. آن خواسته، رعایت تقوا است. ایشان توسط شیخ مفید پیامی برای تمام شیعیان دادند که تقوای الهی را پیشه کنید و خدا را فراموش نکنید؛ بنابراین باید توجه داشت که در عین حالی که امام زمان علیه السلام به حسب ظاهر از نظر ما غایب هستند اما با عنایات ویژه ایشان، بلایا و شرور از ما دفع و کید و سیطره‌ی دشمن بر ما ناکارآمد است.

فایده دیگر امام غایب، دعای خیر ایشان برای مومنان و شیعیان است. سیدبن طاووس می‌گوید سحر گاهان در سرداب مقدس صدای حضرت ولی عصر علیه السلام را شنیدم که می‌فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طَيِّبَتِنَا، وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اِتِّكَالًا عَلَى حُبِّنَا وَ وِلَايَتِنَا، فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ، فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيهَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ، وَ قَاصِّ بِهَا عَنْ حُمُسِنَا، وَ اَدْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ رَحِّزْهُمْ عَنِ النَّارِ، وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ»^۱.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲

خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده ای. آن‌ها گناهان زیادی با اتکاء بر محبت به ما و ولایت ما کرده‌اند. اگر گناهان آن‌ها گناهی است که در ارتباط با تو است، از آن‌ها بگذر که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آن‌ها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ما است به آن‌ها بده تا راضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آن‌ها را با دشمنان ما در سخط خود جمع نفرما.

سِرِّ این دعا و تضرع حضرت را امام رضا علیه السلام بیان می‌کنند. ایشان در حدیثی فرمودند: «الإمام ... الوالدُ الشَّقِيقُ»^۱
 امام پدری مهربان است و این پدر مهربان و شفیق، فرزندان، خانواده و آحاد تحت پوشش خود را از یاد نخواهد برد.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۰۰؛ غیبیه نعمانی، ص ۲۱۹، ح ۶

گفتار بیست و یکم: عدالت گستر آسمانی

قال الامام الهادی عليه السلام:

«الْإِمَامُ بَعْدِي الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ
الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»^۱

امام پس از من، فرزندانم حسن و بعد از او، فرزندش امام
قائم عليه السلام، امام خواهد بود که زمین را پر از عدل و داد خواهد
کرد همچنانی که پر از ظلم و ستم شده است.

یکی از ویژگی‌های حضرت ولی عصر عليه السلام، آکنده کردن زمین
از عدل و داد و قسط است بعد از این که دنیا را ظلم و جور و ستم
فرا می‌گیرد.

در مورد عدالت توضیح مختصری بیان شد. گفتیم که، عدالت
به معنای قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش است. هر چیزی که

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۹

از این چرخه خارج شود، به گونه‌ای که اشیا و افراد در جایگاه خودشان قرار نگیرند، ظلم و جور اتفاق می‌افتد. وقتی کسی صلاحیت تصدی پستی را دارد یا کسی که ظرفیت کاری را ندارد و به آن مبادرت ورزد سبب بروز ظلم می‌شود؛ زیرا شایسته‌سالاری و توانمندی واقعی شکل نمی‌گیرد.

از ویژگی‌های خاص امام زمان عجل الله فرجه که در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام فراوان به آن اشاره شده است، آن است که ایشان با ظهور خود، دنیا را پس از آن که در ستم و ظالم فرو رفته، سرشار از عدل و داد می‌کنند.

نکته‌ی حائز اهمیت آن است که امام زمان عجل الله فرجه برای مبارزه با ظلم می‌آید. قطعاً وقتی مردم جامعه، طعم عدالت را بچشند و مشاهده کنند که هر کس به تناسب تلاش، کوشش و ظرفیتش از فرصت‌ها بهره‌مند شده و امکانات دریافت می‌کند، با میل و رغبت به منشاء آن روی می‌آورند و اگر پرچم عدالت خواهی به دست امام معصوم باشد، مردم به دین خدا و حقیقت روی می‌آورند. بخشی از سرخوردگی‌ها که نسبت به دین مشاهده می‌شود وجود ظلم‌هایی است که مردم می‌بینند و برای آن‌ها قابل تحمل و هضم نیست و اگر این ظلم‌ها در ظاهر و یا به دلیل سوءرفتار برخی از مسلمانان با دین گره بخورد، موجب می‌شود که مردم در اعتقادات خود دچار

مشکل شوند. اتفاق مبارک عشق ورزیدن به دین در عصر ظهور و در دولت امام عصر علیه السلام محقق خواهد شد. آن روز عدالت به معنای واقعی شکل می گیرد و امنیت، سیمای واقعی خود را به نمایش می-گذارد.

حکومت عدالت محور جهانی

گسترش و توسعه‌ی عدالت در عصر ظهور با ایجاد حکومت واحد جهانی محقق می شود. همه‌ی انسان‌ها از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند. قرآن کریم می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾^۱

ای مردم، ما شما را از نری و ماده‌ای بیافریدیم. و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و کاردان است.

سعدی شیرازی این بیت حکیمانه را با نگاه به‌همین آیه شریفه

سروده‌است:

۱. حجرات: ۱۳

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند^۱
 با ظهور امام زمان علیه السلام و تشکیل حکومت جهانی، فرهنگ
 عدالت محوری شکل می گیرد. امت واحد جهانی تحقق پیدا می کند
 و همه تحت یک حکومت در کنار یکدیگر زمین را به یک
 زیستگاه الهی تبدیل می کنند. از این پس مرزبندی های بر پایه ی
 نژاد، طایفه و کشور که باعث جدا شدن انسان ها از یکدیگر شده
 بود بی معنا می شود؛ زیرا عصر ظهور، عصر شکوفایی عقول است و
 در سایه ی تعالیم آسمانی امام زمان علیه السلام، همه ی مرزهای دنیایی - که
 منشاء هواخواهی دارد - از بین مردم رخت بر می بندد؛ چون همه به
 آن معرفت والا می رسند و می فهمند که از یک نسل و نژاد هستند و
 مزیتی جز به تقوا و پرهیزگاری بر هم ندارند.

امام باقر علیه السلام عصر ظهور امام عصر علیه السلام را این گونه توصیف می -
 فرماید:

«وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَتَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ
 أَحْلَامَهُمْ»^۲

۱. سعدی، گلستان، باب اول

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۵

خداوند دست بابرکت امام زمان علیه السلام را بر سر انسان‌ها قرار می‌دهد و به برکت ایشان، عقل‌ها کامل، درون‌ها پاک و مردم به آن معرفت والا و کامل می‌رسند که دیگران را از خود می‌دانند و خود را جدای از دیگران نمی‌دانند.

رجعت انبیا، اثبات اتحاد ادیان

به اعتقاد متکلمین اسلامی، واژه‌ی «ادیان» که جمع دین است تعبیری مسامحه‌آلود است. تمام انبیا علیهم السلام - از آدم تا خاتم - پرچمداران توحید بودند و مردم را به سوی خدای واحد رهنمون می‌ساختند. تمایز در آداب و مناسک آن‌ها هم بسته به میزان آمادگی بشر برای پذیرش توحید بوده است. با مطالعه در سیره‌ی انبیا و ائمه هدی علیهم السلام می‌توان دریافت که آن‌ها، هرگز در بیان اصول یکدیگر را نقض نکرده‌اند و دلیل این امر آن است که همگی از سوی خدای یگانه با رسالت واحد مبعوث شده‌اند.

از ویژگی‌های دوران ظهور امام عصر علیه السلام آن است که حضرت عیسی مسیح علیه السلام - که به اذن خدا زنده است - نزول کرده و به امام زمان علیه السلام اقتدا می‌کند. همین حضور حضرت مسیح و نماز خواندن ایشان پشت سر امام زمان علیه السلام سبب گرایش مسیحیت و قاطبه‌ای از انسان‌ها به سمت آن منجی عدالت‌گستر خواهد شد.

گفتار بیست و دوم: مدیران مهدوی

﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱
(آنان که خدا را یاری می‌کنند) آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به‌پا میدارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و (از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند چون می‌دانند که) عاقبت کارها به دست خداست.

یکی دیگر از آیاتی که با امام عصر علیه السلام پیوند خورده است آیه فوق می‌باشد. خداوند در این آیه می‌فرماید: مؤمنان وقتی در زمین مکتب پیدا کنند در راه خدا چهار قدم برمی‌دارند.

پیش از ورود به بحث لازم است که به یک نکته اشاره کنیم و آن اینکه، همه‌ی انسان‌ها به نسبت خود از تمکن برخوردار هستند؛ هرچند که شدت و ضعف دارد. ولی شایسته است هر کس در هر

۱. حج: ۴۱

مرتبه‌ای از توانایی که هست، شاکر باشد تا خداوند هم به نظر مرحمت به او بنگرد. دیگر آنکه هرچه این تمکن - به اشکال مختلف آن - بیش تر باشد مسئولیت صاحب آن هم سنگین تر خواهد بود. مسئولان، مدیران، اساتید و ثروتمندان باید از این تمکن قبل از آنکه از دستشان برود استفاده کنند تا هم بندگان خدا بهره‌ای از آن ببرند و هم شکر این مکت را به جا آورده باشند. هر انسانی موظف است که خود را ارزیابی کند که آیا این چهار گام ذکر شده در آیه را در حد توان بر داشته است یا خیر.

اول: نماز

طبق بیان این آیه، اولین رسالت مسئولان گسترش و برپایی نماز است؛ چرا که زیربنای همه‌ی اصلاحات جامعه بشری اصلاحات اعتقادی می‌باشد. یکی از پیام‌هایی که در حاشیه‌ی این آیه می‌توان دریافت کرد آن است که فرصت‌ها و امکانات به سرعت می‌گذرند و اگر از آن‌ها استفاده نکرده باشیم ندامت و حسرت ابدی به همراه دارد؛ لذا باید تلاش کنیم که ابتدا اعتقادات مردم را تقویت کنیم. حتی اگر بخواهیم مسائل اقتصادی جامعه حل شود ابتدا باید در مسائل اعتقادی به ثبات رسیده باشیم. خانواده‌هایی که از نظر اعتقادی، سامان یافته باشند به ندرت درگیر منازعات خانوادگی و طلاق می‌شوند و کمتر پایشان به دادگاه کشیده می‌شود. ریشه‌ی

مشکلات خانوادگی و منازعات مالی، ضعف و اعتقادات است. پیام این آیه شریفه هم آن است که ابتدا باید برای اصلاح اعتقادات جامعه قدم برداریم. اگرچه این مسئولیت متوجه آحاد جامعه است اما مسئولین در این زمینه تکلیف سنگین تری دارند. آن‌ها باید تلاش کنند فرهنگ دینی - که مهمترین شاخص آن اقامه‌ی نماز است - را گسترش بدهند؛ زیرا اگر فرهنگ بندگی حاکم شود قطعاً بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

وقتی سران سه قوه برای ارائه‌ی گزارش جنگ خدمت امام خمینی علیه السلام رسیدند، ایشان در اثناء جلسه، بدون توجه به حضار، از اتاق خارج شدند. یکی از سران عرض کرد هنوز مطالب ما تمام نشده است. امام برگشتند و نگاه تندی به او کردند و فرمودند: «وقت نماز است» و از اتاق خارج شدند.^۱

در میدان جنگ حق علیه باطل، چنین رهبری می‌تواند جنگ را مدیریت کند. او توجه دارد که مأمور به اقامه نماز است و برای تحقق این معنا، خود باید اول از همه پیش قدم شود. او تربیت یافته‌ی فرهنگ حسینی است. وقتی در روز عاشورا ابو ثمامه صیداوی وقت نماز را به امام

۱. رجایی، غلامعلی، برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۳، ص ۵۸

حسین علیه السلام یادآوری کرد، حضرت نگاهی به آسمان کردند و فرمودند:

«ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ»^۱.

ای ابو ثامه! یادی از نماز کردی، خدا تو را از نمازگزاران ذاکر قرار بدهد.

سپس امام از سپاه عمر سعد خواستند که جنگ را متوقف کنند تا نماز بخوانند. به رغم بی توجهی دشمن به این درخواست امام، حضرت از اسب پیاده شده و مهیای نماز شدند. عده‌ای از یاران با سپرهای خود جلوی ایشان ایستادند و عده‌ای به حضرت اقتدا کردند. به راستی اگر در روز قیامت خداوند نماز ظهر عاشورای امام حسین علیه السلام را به ما نشان بدهد که زیر باران تیر اقامه شد ما سرافکننده می شویم. مشتری، ارباب رجوع، جلسه، مهمان و ... توجهی برای به تأخیر انداختن نماز نیست؛ زیرا شرایطی سخت تر از حال سیدالشهداء علیه السلام نمی توان تصور کرد.

دوم: زکات می پردازند.

سوم: به خوبی‌ها امر می کنند.

چهارم: مردم را از بدی‌ها باز می دارند.

سپس به عنوان نتیجه گیری می فرماید عاقبت امور به دست خداوند است.

۱. وقعة الطف، ج ۱، ص ۲۲۹

گفتار بیست و سوم: عصر ظهور، اوج شکوفایی

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱

و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم ولیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم.

یکی دیگر از آیاتی که در رابطه با امام زمان علیه السلام مطرح می شود آیه ی ۶۹ سوره اعراف است. امام مجتبی علیه السلام در تبیین پیام این آیه و ارتباطش با مهدویت می فرمایند در دوران ظهور امام زمان علیه السلام، حتی حیوانات درنده آزادانه زندگی می کنند^۲؛ یعنی بشریت وارد دورانی می شود که آسیب و گزندى به هیچ موجودى نخواهد رسید. زمین

۱. سوره ی اعراف آیه ی ۹۶

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰

گیاهان خود را عرضه می‌کند و آسمان هم برکات خود را نازل می‌نماید. در آن روز دیگر اثری از خشکسالی و عدم نزول رحمت الهی نیست. به تعبیر امام مجتبی علیه السلام همه گنج‌ها و معادن زمین در آن روز آشکار می‌شود و آنگاه انسان در می‌یابد که تا کنون فقط به بخشی از معادن دست یافته است.

طبق بیان امام صادق علیه السلام در روزگار ظهور، تمام علم و دانش که بنا به روایات ۲۷ حرف است و تا قبل از ظهور امام زمان علیه السلام بشر فقط دو حرف آن را کشف کرده، ظاهر می‌شود^۱. بشریت با همه‌ی پیشرفت‌های علمی خود در همان دو حرف توقف کرده است. با ظهور امام زمان علیه السلام دانش یک جهش بیش از سیزده برابری می‌کند؛ یعنی ظرفیتی که امروز از نظر علم و دانش، تکنولوژی و صنعت و علوم طبیعی و مهندسی مشاهده می‌کنید یک جهش بیش از ۱۳ برابری پیدا می‌کند.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل است که می‌فرمایند: وقتی که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کنند خداوند دست با برکت ایشان را بر سر انسان‌ها قرار می‌دهد و عقل‌ها کامل و درون‌ها پاک می‌شود و مردم

با یکدیگر خردمندانه برخورد می‌کنند^۱. کینه و حسادت و حرص و تکبر و رذایل اخلاقی در نهاد انسان‌ها ریشه‌کن می‌شود و مردم به حیات واقعی خواهند رسید. طبیعتاً وقتی که وجود انسان از این رذائل اخلاقی دور شد، در صدد تخریب و تضعیف دیگران نیست. با کامل شدن عقل‌ها، نگاه به زندگی خردمندانه می‌شود و در پی آن انسان‌ها دنیا را گذرگاهی می‌بینند که جای توقف نیست. به تعبیر حضرت عیسی علیه السلام مؤمنان، دنیا را همچون پلی می‌بینند که باید از آن عبور کنند.

«إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَظْرَةٌ فَأَعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا»^۲

همانا دنیا مانند پلی است. از آن عبور کنید و آبادش نکنید.

این حاصل احیاء فکر آدمی است که دنیا را گذرگاه و پلی بداند که باید از آن عبور کرد. اگر این دیدگاه ارزشمند فراگیر شود مردم در نوع بهره‌برداری خود از دنیا تغییر رویه خواهند داد و روابطشان با یکدیگر اصلاح می‌شود. این اصلاح رویه‌ی زندگی، در سایه‌ی تبعیت از ایمان و حفظ تقوا در زمان ظهور اتفاق می‌افتد.

۱. دلائل الإمامة، ص ۴۵۷

۲. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۹۲

یکی دیگر از نکات قابل تأمل در آیه، توجه به معنی کلمه برکت است. برکت به معنای ثبات و پایداری نعمت است. چیزی که ثبات ندارد را برکت نمی‌گویند. در بین مردم هم برکت به همین معناست؛ لذا مثلاً می‌گویند فلان چیزی که شما به ما دادید برکت داشت؛ یعنی از بین نرفت و پایدار بود. با این توضیح، معنای برکت در آیه این است که اگر ایمان و تقوا را رعایت کردید نعمت پایدار به شما عطا می‌کنیم.

گفتار بیست و چهارم: عصر ظهور، عصر امنیت و حیات معنوی

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ
لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱

بدانید که خداست که زمین را پس از مرگ (خزان) زنده می‌گرداند. ما آیات و ادله (قدرت خود) را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بندید.

یکی از مبانی مهمی که اهل بیت علیهم‌السلام در تشخیص صحت و بطلان مسائل به ما یاد داده اند عرضه‌ی موضوعات به قرآن کریم است. ایشان دستور داده‌اند که هر کلامی از ما به شما می‌رسد را با قرآن بسنجید و در صورت عدم مطابقت آن را ترک کنید. احادیث مهدوی و مباحث پیرامون امام زمان عجل‌الله‌فرجه یکی از بحث‌برانگیزترین روایات کتب و متون اسلامی است و بدون تردید مشمول قانون عرضه به قرآن می‌شود.

۱. حدید: ۱۷

بعضی از مفسرین بر این اعتقاد هستند که قریب به پانصد آیه در قران صراحتاً یا به صورت کنایه و مفهومی به پیام‌های مهدوی اشاره دارد. یکی از آیاتی که مفسران آن را به حضرت مهدی علیه السلام تطبیق می‌کنند همین آیه‌ای است که در ابتدای بحث به آن اشاره شد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«يُحْيِي اللَّهُ تَعَالَى بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا»^۱

خداوند به سبب امام زمان علیه السلام زمین را احیا می‌کند بعد از آن که به خاطر کفر اهلیش مرده است.

در زمان قبل از ظهور حضرت قائم علیه السلام، جامعه بشری در مسیری قرار می‌گیرد که ارزش‌های الهی و اخلاقی، رنگ باخته و به فراموشی سپرده شده است. بسیاری از مردم مبتلا به کفر شده‌اند و در حقیقت قلب آن‌ها مرده است. آنگاه امام زمان علیه السلام ظهور می‌کنند و جامعه را احیا می‌نمایند.

از اوصاف عصر ظهور، رسیدن امنیت به حد کمال است. روایات عصر ظهور، امنیت آن دوران را این‌گونه توصیف می‌کند که اگر دختری جوانی ظرفی از گرانباترین جواهرات را روی سر خود بگیرد

۱. تفسیر نورالتقلین، ج ۵، ص ۲۴۲

و بدون اینکه این جواهرات را از چشم‌ها مخفی کند از غرب عالم به سمت مشرق حرکت کند هرگز کسی به جان و مال او طمع نمی‌کند.^۱ در آن دوران اثری از فقر و مشکلات اقتصادی دیده نمی‌شود و این همان حیات واقعی است که بشر به دنبال آن بوده اما به دلیل فاصله گرفتن از ارزش‌ها، راه رسیدن به آن را گم کرده و گرفتار کفران نعمت الهی شده است.

تفسیر نورالثقلین از قول امام صادق علیه السلام می‌نویسد: منظور از آیه‌ی شریفه، زنده شدن زمین به وسیله‌ی عدالت است؛ در زمان ظهور حضرت، زمین بر اثر ظلم و جور بشر همچون مرده‌ای است که امام آن را زنده می‌کند. عدالت سبب قوام جامعه است و امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای تحقق آن ظهور می‌کنند. عدالت یعنی هر چیزی در جای خودش قرار بگیرد و همه به حقوق خود برسند؛ لذا ویژگی برجسته‌ی دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه آن است که:

«يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»^۲

همان طوری که زمین پر از ظلم و جور می‌شود امام زمان عجل الله تعالی فرجه آن را پر از عدل و داد می‌کند.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۱۳۹

برای درک هرچه بهتر معنای این آیه‌ی شریفه، توجه به چند نکته ضروری است:

بشر دو نوع حیات دارد؛ یکی حیات مادی و دیگری حیات معنوی. حیات مادی نیاز به توضیح ندارد. هر انسانی که قلب او در سینه می‌تپد و صاحب دست و پا و گوش و چشم و سایر جوارح است حیات مادی دارد. در کنار این حیات مادی، یک حیات معنوی هم وجود دارد که اگر در مسیر صحیح قرار بگیرد حاصل آن، اندیشه پاک، منش صحیح و اخلاق و فضایل شایسته است. بسیاری از انسان‌ها از نظر جسمی سالم هستند اما روحشان مرده است. این افراد ظاهراً هیچ عارضه‌ای ندارند؛ سخن می‌گویند، می‌خندند، غذا می‌خورند و تولیدمثل می‌کنند اما روح اخلاق و فضائل معنوی در وجودشان مرده است.

با ظهور امام زمان علیه السلام، حیات معنوی در جامعه گسترش پیدا می‌کند و فراگیر می‌شود. وقتی حضرت می‌آیند احیای قلوب و اندیشه‌ها در جامعه بشری رقم می‌خورد. البته برای احیای قلوب و ایجاد نشاط معنوی راهکارهای از سوی اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است.

یکی از آن روش‌ها انس با قرآن و تلاوت آیات وحی است. اهل بیت علیهم السلام همواره ما را به پناه بردن به قرآن و فهم آیات آن ترغیب کرده‌اند و آثار و فواید فراوانی برای آن برشمرده‌اند که در این مختصر نمی‌گنجد. قرار گرفتن در شعاع نور نبوت، زدودن زنگار قلب، منور شدن منازل، بارور شدن ایمان و کفاره گناهان از جمله فواید انس با قرآن است.

گفتار بیست و پنجم: ظهور، پایان ستمگران

در حوزه وظایف فردی منتظران ظهور، توجه به برخی از ویژگی‌های امام زمان علیه السلام بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که شناخت این ویژگی‌ها مَشی ما نسبت به حضرت را روشن می‌کند.

یکی از نکاتی که در مورد امام زمان علیه السلام باید توجه داشت آن است که بیعت احدى بر گردن ایشان نیست. به تعبیر امروزی، حضرت با کسی پیمان برادری نبسته و به کسی چک سفید نداده است؛ به همین دلیل زمانی که قیام می‌کنند ملاحظه‌ی هیچ ظالم طغیانگری را نخواهند کرد. حضرت این ویژگی را از داوود پیامبر به ارث برده‌اند و مانند ایشان مأمور به باطن هستند. البته امام در ابتدای امر، مردم را به راستی و درستی و پیوستن به شریعت دعوت می‌کنند اما به کسانی که در مقابل حقیقت مقاومت کنند، تعهدی ندارند. علی علیهم السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ الْقَائِمَ مَنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفَى
وَلَادَتُهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ»^۱

قائم علیه السلام از ماست و هنگامی که قیام می کند بیعت هیچ کس بر
گردن او نیست. به همین دلیل ولادتش مخفی و خودش غایب از
انظار است.

با این وصف، امام ملاحظه‌ی هیچ ستمگر و طاغوتی را نخواهند
کرد و با متمرّدین برخورد می کنند.

امام زمان علیه السلام پس از ظهور، هیچ معامله‌ای با ظالمان و ستمگران
نخواهند داشت؛ به همین دلیل عدالت گستری در زمان ایشان معنای
واقعی خود را به نمایش خواهد گذاشت. چنین موقعیتی برای انبیا و
اولیا الهی فراهم نبود و آن‌ها یا مجبور بودند شرایط را تحمل کنند و
یا سکوت می کردند. حتی در مواردی، از روی تقیه مجبور بودند در
نماز، به ظالمان عصر خود اقتدا کنند و یا در ظاهر خلافتشان را
بپذیرند.

همین جا نقطه وصل این ویژگی امام زمان علیه السلام با وظایف فردی
منتظران است. ظلم در محدوده وسیعی از رفتارهای انسان تعریف

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۳

می شود که اقسام آن - اعم از ظلم به نفس، ظلم به دیگران، ظلم به خدا و ظلمی که حاکمان مرتکب می شوند - می تواند سرنوشت انسان را تغییر دهد. امام زمان علیه السلام برای برقراری عدالت و تأسیس مدینه‌ی فاضله قیام می کنند و مصداق کامل آن در محو همه‌ی مراتب ظلم متبلور می شود. انسانی که به دنبال انجام وظایف فردی خود در عصر غیبت است باید به گونه‌ای رفتار کند که در این محدوده‌ی وسیع قرار نگیرد یا بعبارت بهتر، ظالم نباشد. بدین ترتیب هم از غضب حضرت در امان می ماند و هم با بسط عدالت - هر چند محدود - گامی در جهت پیشبرد آرمان امام زمان علیه السلام برداشته و ان شاء الله لبخند رضایت را بر لبان مبارک ایشان خواهد نشانید.

آخرین میراث‌دار انبیاء علیهم السلام

یکی دیگر از ویژگی های امام زمان علیه السلام این است که میراث همه انبیاء نزد ایشان است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«الْمَهْدِيُّ مِنَ وُلْدِي ... تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ
يَأْتِي بِذَخِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا
مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»^۱.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷

مهدی از فرزندان من است از برای او غیبتی است و در این غیبت مردم دچار حیرتی می‌شوند که امت‌ها در آن گمراه می‌شوند. او با میراث انبیا می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند همچنان که پر از رنج و ستم شده است.

یکی از مصادیق این گمراهی آن است که برخی می‌گویند: اگر امام زمانی هست، چرا باید غایب باشد؟ این تردید که عوامل مختلفی دارد، سرآغاز گمراهی بزرگ و ضلالت ابدی انسان می‌شود. اساس ظهور امام زمان علیه السلام، بر اجرای عدالت است. عدالت یعنی وضع الشیء فی موضعه، هر چیزی در جای خود قرار بگیرد. اگر هر کسی به حق خودش راضی باشد عدالت برقرار می‌شود. در مقابل، ظلم یعنی قرار نگرفتن اشیا در جای خاص خودش. در زمان ظهور امام زمان علیه السلام، هر کسی به حق خودش خواهد رسید و در جایگاهش قرار می‌گیرد. وقتی در یک جامعه عدالت گسترش پیدا کند، آرامشی ایجاد می‌شود که در نتیجه مردم به دین، معرفت و حقیقت روی می‌آورند. وقتی مردم ببینند که در سایه‌ی دین و با حضور رهبران دینی، حق آن‌ها ضایع نمی‌شود و هر کسی به حق خود خواهد رسید، به ارزش وجود امام معصوم پی خواهند برد.

این امر یکی از وظایف منتظران را تبیین می‌کند. به طور عادی طبع انسان به انتظاری که بی‌پایان به نظر برسد، تمایل ندارد؛ از این-

رو کسانی که مراتب و مدارج ایمان را طی نکرده باشند و در قلب خود نقاط تاریک باقی گذاشته باشند، با طولانی شدن زمان انتظار، مأیوس می‌شوند. تنها راه تحمل این انتظار گُشونده، ایمان راسخ و راستین به بیانات ائمه هدی علیهم‌السلام است. بنا به دستورات نبی گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت مکرم ایشان، ایمان باید از سر منطق و عقل باشد و تبعیت کورکورانه در آن راه ندارد؛ یعنی یک مسلمان پس از آنکه از روی عقل و منطق به وجود خداوند و لزوم بعثت انبیا و تعیین امام و صدق گفتار ایشان پی برد، باید سخنانشان را - هر چند از ابعاد و زوایای آن آگاه نباشد - بپذیرد. با همین تفسیر، مؤمنان راستین، از انتظار، خسته و مأیوس نمی‌شوند.

عمر طولانی امام زمان علیه‌السلام، تجلی قدرت پروردگار

یکی دیگر از ویژگی‌های امام زمان علیه‌السلام، طول عمر آن حضرت است. امام سجاد علیه‌السلام در روایتی که بیان کردیم می‌فرمایند:

«فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهُوَ طُولُ الْعُمُرِ»^۱

در قائم علیه‌السلام، خصلتی را از نوح به ارث برده و آن طول عمر است.

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲

در مورد طول عمر حضرت، سؤالات و شبهات زیادی از سوی معاندان مطرح می‌شود که هم جواب‌های حلی و هم پاسخ‌های نقضی متعددی دارد. عمده‌ی این شبهات به منظور انکار وجود مبارک حضرت مطرح می‌شود که با بیان آن‌ها قصد دارند ولادت و وجود حضرت را انکار کنند. ابتدایی‌ترین این شبهات مربوط به طول عمر حضرت است. آن‌ها می‌گویند عمری که برای امام زمان علیه السلام بیان می‌کنید، خیلی بیش‌تر از عمر طبیعی یک انسان است و نمی‌توان باور کرد که یک انسان، این همه عمر کند!

در پاسخ به این شبهه، به یک آیه از قرآن می‌توان اشاره کرد؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^۱

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود!

اراده‌ی خداوند به هر چه تعلق بگیرد جامه عمل می‌پوشد و محقق خواهد شد. برای خدا ساده است که به یک بنده، هزاران سال طول عمر بدهد؛ کما اینکه به اعتقاد ما حضرت خضر علیه السلام از

قرن‌ها قبل از امام زمان علیه السلام متولد شده و در قید حیات است. همچنین حضرت عیسی علیه السلام که به امر خداوند از سوء قصد بنی-اسرائیل جان به در بُرد و به آسمان عروج کرد.

بنا بر قاعده‌ی لطف^۱ زمین نمی‌تواند - حتی برای یک لحظه - از وجود حجت خدا که نقطه‌ی اتصال بندگان و خداوند است، خالی باشد. از سوی دیگر، تجربه‌ی زندگی یازده امام که در نهایت ناسپاسی بندگان، در غربت و مظلومیت به شهادت رسیدند، نشان داد که آخرین ذخیره‌ی الهی باید تا زمانی که مردم نیاز به امام را با عمق جان درک کنند از دسترس آن‌ها دور باشد. جمع بین این دو ضرورت آن است که آخرین حجت الهی به شکل اعجازگونه‌ای از عمری طولانی بهره‌مند شوند تا هم زمین خالی از حجت نباشد و هم جان امام از بلایا مصون بماند، تا روزی که وعده‌ی خداوند محقق شود و آن حکومت عدالت‌گستری که خداوند در قرآن وعده فرموده، برقرار شود.

۱. قاعده‌ی لطف، قاعده‌ای است که در علم کلام از آن بحث می‌شود و معنای آن لزوم کاری از سوی خداوند است که به سبب آن بندگان به طاعت نزدیک و از گناه دور می‌شوند بدون آنکه این لطف خداوند تأثیر و یا اجباری در قدرت مکلف به ایجاد کند. قاعده لطف یکی از مهمترین ادله عقلی اثبات امامت است.

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱

و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲

و ما در زبور- پس از تورات- نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

۱. قصص: ۵

۲. انبیاء: ۱۰۵